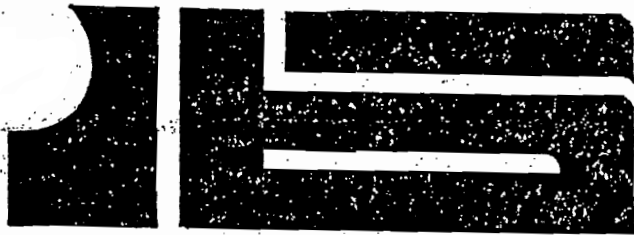


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلقها

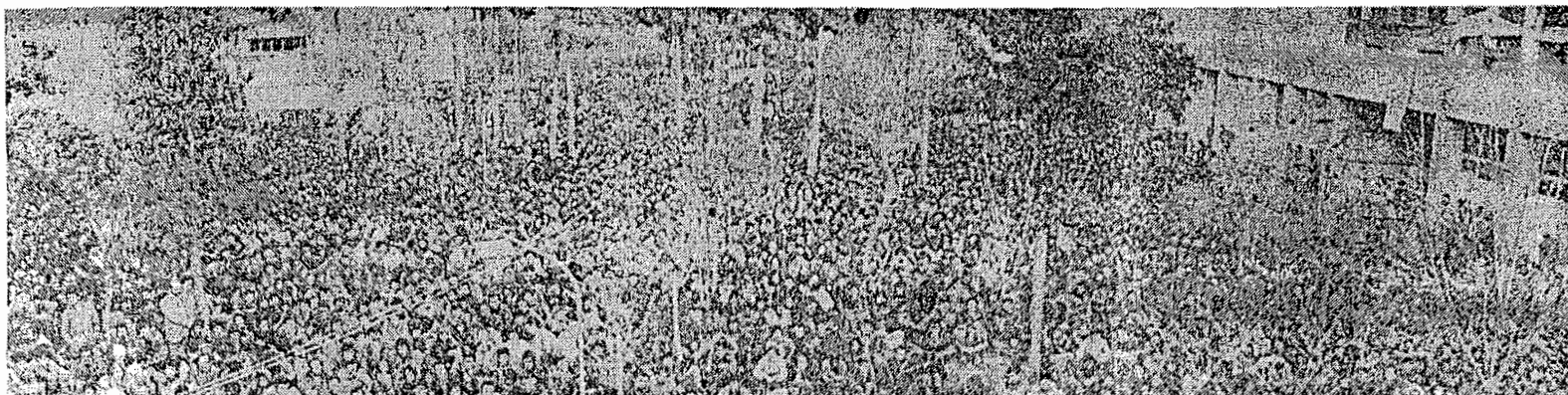
چهارشنبه ۱۹ دیماه ۱۳۵۸

۱۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۱

افشاء سرمایه داران لیبرال، در پیشگاه خلق



درگردهمایی روز جمعه ۱۴ دی ماه در دانشگاه پلی تکنیک بیش از صد هزار نفر شرکت داشتند. مردم با شجاعت تحسین انگیزی در مقابل مهاجمین ایستادگی کردند و آنها را به عقب راندند.

به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و به منظور افشای هرچه بیشتر احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال، در پیشگاه خلق، مراسمی در روز جمعه ۱۴ دی ماه ساعت ۳ بعد از ظهر در دانشگاه پلی تکنیک برگزار شد. در این اجتماع اسناد زیادی در پیشگاه خلق افشاء شد. این اسناد خبر از روابط گسترده محافل و احزاب و عناصر سرمایه داران لیبرال با جاسوسان سیا می داد. این اسناد نشان می دهد که چگونه محافل و احزاب سرمایه داری لیبرال با حمایت امپریالیسم امریکا علیه خلق های ایران بسیج می شوند.

استقبال مردم از این میتینگ بی سابقه بود. بطوری که یک ساعت پیش از آغاز میتینگ انبوه جمعیت در دانشگاه پلی تکنیک موج می زد. خیابان حافظ نیز که در برابر دانشگاه پلی تکنیک قرار دارد مالا مال از جمعیت بود. جمعیت روز جمعه بیشتر به

جمعیتی بود که تاکنون در میتینگ های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آمده بود. گستردگی جمعیت به آنقدری استقبال بی سابقه عناصر انقلابی از میتینگ افشاگران سازمان بود. نیروهای انقلابی از جمله در دو طرف خیابان حافظ به شکل فشرده و منظم قرار گرفته بودند و با دادن شعارهای مرگ بر امریکا و مرگ بر امریکا و "استیلا د بقیه در صفحه ۵

یکماه پیش از قیام بهمن ماه،

گردانندگان حزب جمهوری خلق مسلمان و
نمایندگان آیت الله شریعتمداری در تبریز برای حفظ
رژیم شاه یک میلیون تومان از ساواک دریافت کردند

سندی که در زیر آمده است نشان می دهد که سه تن از فعالان حزب جمهوری خلق مسلمان و نمایندگان آیت الله شریعتمداری در تبریز، حتی یک ماه پیش از قیام بهمن ماه با ساواک همکاری نزدیک داشتند. این عناصر در روزهایی که مردم قهرمان آذربایجان با سینه های سپر کرده خود به استقبال توپ و تانک ارتش آریامهری می رفتند، در روزهایی که فرزندان دلاور آذربایجان به

دست جلادان ساواک و به دستور امپریالیسم امریکا به شهادت می رسیدند، در روزهایی که دهقانان و همه زحمتکشان آذربایجان با نثار بقیه در صفحه ۱۱

در این شماره:

کارنامه ننگین یکساله دوستان امپریالیسم امریکا را مرور کنیم در صفحه ۵

اهداف احزاب و محافل بورژوازی لیبرال همان اهداف امپریالیسم امریکا است در صفحه ۶

مبارزه طبقاتی را باور کنیم در صفحه ۸

یاد رفیق کاظم شهیدی ثالث کارگر رزمنده ریمنکوگرامی باد در صفحه ۹

امپریالیسم ماوراء طبقات قرار ندارد

رویدادهای روزهای اخیر، برده تازمای از تصادمات طبقاتی کنونی را به نمایش گذاشت و چهره بازهم روشن تری از طبقات متخاصمی که بر سر تحکیم قدرت سیاسی در صحنه نبرد رویاروی قرار گرفتند ترسیم کرد. در مرکز این رویدادها، وقایع قم و تبریز قرار دارد.

هنوز کسان بسیاری نتوانستند مضمون طبقاتی آنچه را که در قم و تبریز اتفاق افتاد دریابند. هنوز کسان بسیاری آنچه را که در قم و تبریز اتفاق افتاد نمایش می شناسند که فقط برای سرگرمی توده های میلیونی توسط آیت الله خمینی و شریعتمداری بقیه در صفحه ۴

به مناسبت یکصدمین سال تولد رفیق استالین

زندگی استالین
تجلی خشم و
مبارزه پرولتاریا
علیه سرمایه داری
و امپریالیسم جهانی



"استالین" برای انقلابیون کمونیست جهان، نامی درخشان رهبری بزرگ و کمونیستی عمیقاً وفادار به طبقه کارگر و ارمنان کمونیسم است.

تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ - در "تفلیس" به دنیا آمده است و آنچنانکه خود گفته است از بقیه در صفحه ۱۰

انتخابات دموکراتیک هیئت مدیره و بازرسین سندیکای مستقل کارگران خیابان تهران و حومه در ۱۶ آذرماه نقطه عطفی در مبارزات کارگری این صنف است. افشاء و طرد عناصر سازشکار از هیئت مدیره، انتخاب کارگران مبارز و آگاه برای اداره امور سندیکا و تصویب طرح اساسنامه پیشنهادی شان، از مهمترین نتایج این انتخابات بود.

ما کوشش خواهیم کرد که در این مقاله بطور اجمالی وضعیت سندیکا و فعالیت های آن را از زبان تشکیل تاکنون و همچنین زمینه و علل پیروزی نمایندگان واقعی کارگران در انتخابات طرد و شکست سازشکاران را در چارچوب وضعیت کلی صنف خیابان تهران و تحولات درونی سندیکای آن بررسی کنیم.

وضعیت کلی صنف خیابان تهران - اصل تولید پراکنده و محدود (کارگاهی) حدود ۱۰ هزار کارگاه خیاطی در تهران و حومه وجود دارد که بقیه در صفحه ۳

نابود باد سرمایه داران لیبرال

امپریالیسم ماوراء...

بقیه از صفحه ۱

صحنه گردانی می شود. از این رو تعمق در این رویدادها می تواند ما را در شناخت وضعیت کنونی و وظایف انقلابی که بر عهده داریم یاری دهد.

آنچنانکه در شماره قبل گفته بودیم، دامنه مبارزه طبقاتی در جامعه عمق و وسعت می یابد و توده ها درمی یابند که مبارزه با امپریالیسم، مبارزه با عنصری موهوم و خارجی که ماوراء طبقات قرار دارد نیست، آنان کم کم، در مبارزات سیاسی خود پیوندهائی را که بین طبقه سرمایه دار ایران با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا وجود دارد تجربه می کنند و متوجه می شوند که تا چه میزان این یا آن جریان و شخصیت سیاسی بیگانه، بسته به این که علایق و منافع طبقاتی کدام یک از گروههای مردم را بیان می کند از پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی به درجات مختلف استقبال می کند و یا از آن هراسناک است. آنها بر اساس تجارب سیاسی روزمره خود، درمی یابند که چه منافی را در پیشبرد مبارزه با امپریالیسم آمریکا می توان تعقیب کرد و در روند این مبارزه است که شرکت فعال انقلابیون کمونیست آهسته، آهسته، سموم خورده بورژوازی را که اذهان توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان را آلوده ساخته است پاک می کند و وجدان و شعور طبقاتی را، جایگزین خرافات و موهومات خواهد ساخت.

امروز در چشم انداز سیر تحولات سیاسی، آسانتر از گذشته می توان ماهیت بلوک بندی های سیاسی را که در حال تکوین است مشاهده نمود. به همان میزان که انقلاب تعمیق می یابد، صف بندی های طبقاتی و بطور ناگزیر بلوک بندی های سیاسی بطور متمایزتری تکوین پیدا می کند. یکبار دیگر این اصل عام مارکسیستی در جامعه در حال تحول ما نیز مصداق یافته و اثبات می گردد که پایه های تعمیق انقلاب، ضد انقلاب نیز افزوده تر و شکل گرفته تر، در عرصه مبارزه طبقاتی رخ می نماید. نتیجه ناگزیر این تحول عینی، فروپختن و سائیده شدن هر چه بیشتر دگم هایی است که در ظاهر دیرپا و پابرجا می نمود. این پدیده در عرصه ها و زمینه های گوناگونی قابل بررسی است. بدون شک در سطح توده های وسیع مردم آن سیاستی که کوشش می کند طبقات و گروه های اجتماعی متفاوت و متخاصم اجتماعی را، علیرغم منافع متضاد طبقاتی شان زیر پوشش "امت مسلمان" گرد آورد، آسیب های جدی خواهد دید و باورهای بدینگونه رفته رفته زایل خواهد شد و واقعیت های سخت و زنده جایی برای بقای بی چون و چرای آن نخواهد گذاشت. روند بطور عینی در حال گسترش مبارزه طبقاتی این چشم انداز را به حقیقتی غیر قابل انکار مبدل خواهد ساخت.

بورژوازی لیبرال، که از حمایت بی دریغ امپریالیسم آمریکا برخوردار است، خود را برای رویارویی هر چه بیشتر با مردم آماده می سازد و با تمام قوا می کوشد هم از طریق فشار از بالا و هم تا آنجا که برایش امکان پذیر باشد، از طریق بسیج توده ای و بهره گیری از انرژی توده ها از نمایندگان سیاسی خورده بورژوازی "سم شیر" بیشتری طلب کند. در کشاکش این درگیری های طبقاتی که بسیار چیزها فرو می ریزد و چیزهای تازه ای تکوین پیدا می کند، انقلابیون کمونیست هرگاه نخواهند خود را به مبارزه بطور عینی در حال گسترش متکی سازند و در برنامه و تاکتیک نقشه های خود تنها به بافته های ذهنی خود اتکا داشته باشند، به اعتبار جدائی شان از واقعیات عینی قادر به هیچ تغییر انقلابی در مبارزات توده ها نخواهند شد و راه را برای یک تازی امپریالیسم و بورژوازی لیبرال باز خواهند گذاشت. سیاست هایی که بر واقعیات زنده متکی نباشد، روز بروز دامنه چدائی جنبش کمونیستی ایران را از طبقه کارگر و متحدین طبیعی آن در انقلاب دمکراتیک توده های گسترده تر ساخته و فاصله عمیق تری را بین پیشرو انقلابی و توده های پرولتر و غیر پرولتر موجب خواهد شد.

شرکت انقلابیون کمونیست در مبارزه طبقاتی که در روز گسترش بیشتری می یابد، هرگاه با تجهیز به سیاست مستقل پرولتاریائی صورت گیرد و هرگاه قادر باشند برنامه و سیاست خود را از برنامه و سیاست خرد، بورژوازی متمایز ساخته و بر این تمایز آنچنان تاکید ورزند که توده های خورده بورژوازی نه تنها خود را متحد پرولتاریا به حساب آورند بلکه بهروزی خود را در رهبری آن بجویند. امکان این کاملاً وجود دارد که توده های سیاسی توده ها به وجود می آید، به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران پر سازند و رهبری طبقه کارگر را در سطح جنبش خلق اعمال نمایند، به شرط آن که بر این گفته های داهیانه مارکس عمیقاً توجه داشته باشند که: "هیچ طبقه ای در جامعه مدنی نمی تواند این نقش را ایفا کند مگر این که نبردهای از شور و شوق در صفوف طبقه خود و توده های مردم به وجود آورد. مرحله ای که طی آن، طبقه آزاد بیخیش افراد جامعه را بطور کلی با هم برادر ساخته و با آن می آمیزد، با جامعه هم ذات و یگانه می شود، به عنوان نماینده کل جامعه پذیرفته شده و به رسمیت شناخته می شود و تقاضاها و حقوق خاص آن واقعا تقاضاها و حقوق خود جامعه شمرده می شوند و در حقیقت، مغز اجتماعی و قلب اجتماعی به حساب می آید."

مردم در تظاهرات هفتم و جهلم تختی فریاد می زدند: «زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته»

عضویت تیم ملی کشتی در آمدن تختی در عرصه کشتی به پیروزی های درخشانی در سطح جهانی دست یافت ولی فروتنی و تواضع، صداقت و مهربانی و وفاداری او به توده های زحمتکش بود که از او یک قهرمان ملی و "جهان پهلوان" ساخت. نمی توانست برای او تنها هدف به حساب آید، بلکه او همیشه در فکر زحمتکشان و یافتن راهی برای بهبود زندگی آنان بود. توده های زحمتکش را از خود می دانستند، زیرا تختی از آنان بود و هرگز به طبقه خود پشت نکرد. او پس از زلزله بوئین زهرا فریاد زده بود: "چرا باید مردم روستائیی مملکت به خاطر نداشتن منازل بهتر این چنین زیر خروارها خاک جهان سپارند." تختی در ۱۷ دی ماه ۱۳۴۶ در اتاق هتلی به وسیله ساواک شهید شد. ولی پس از انتشار خبر مرگ او، آنچه که رژیم همیشه از آن بیم داشت، اتفاق افتاد و در شب هفت و جهلم تختی تظاهرات وسیعی به خاطر بزرگداشت خاطره او و مخالفت با رژیم صورت گرفت که دانشجویان در سازماندهی آن نقش فعالی داشتند. مردم شعار می دادند: "دروغ نینگین سال، خودکشی قهرمان"، "زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته"، "فرزند زحمتکشان، کشته به دست گرگان تختی درود بر تو". تختی همیشه می گفت: "آنچه در زندگی بیش از همه برایم ارزش دارد نه مدال ها و پیروزی هایم، بلکه محبتی است که توده مردم نسبت به من دارند." غلامرضا تختی از میان توده ها برخاست، با آنان زیست و همیشه به آنان وفادار ماند. پادش گرامی باد

فدائیان خلق در زندان جمهوری اسلامی

هنوز چند هفته از قیام خلق های ایران نگذشته بود که صدیق ترین نیروهای انقلابی ایران خود را با حملات دولت موقت انقلابی روبرو دیدند. خیلی زود سازمان های تبلیغاتی علیه انقلابیون ایران به راه افتاد و به پراکندگی صفوف خلق دامن زدند. سیاست های سرکوب و سلب حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی توسط رژیم انقلاب، دولت بازگران، شورای انقلاب و عناصری که نقش موثری در ادامه امور برعهده داشتند، هر روز دامنه گسترده تری یافت. زندان ها در کنار خائنین و وابستگان به رژیم پهلوی و امپریالیسم جهانی، نیروهای مبارز و انقلابی را نیز در خود جای دادند. هنوز خون شهدای مانخشکیده بود که در میدان های اعدام به هم راه گشتار خلق های ستمدیده ایران فدائیان خلق به حومه های پاسداران انقلاب اسلامی سپرده شدند.

امروز دلایل پیشبرد چنین سیاست هایی رفته رفته برای توده های میلیونی آشکار می شود. هم اکنون تعداد زیادی از هواداران سازمان در زندان های اوپن (و شاید زندان های دیگر) در بازداشت به سر می برند.

هر چند در شرایط کنونی سیاست های امپریالیستی، ارتجاعی و ضد دمکراتیک نا حدی کاهش یافته است، اما صدیقیت هیئت حاکمه با نیروهای انقلابی و مبارر که ناشی از ماهیت آن است از قیام تاکنون در همه زمینه ها خود را نشان داده است. بهانه های گوناگون شباهت به خانه های رفقای ما یورش می برند و آنها را بازداشت می کند.

بسیاری از سلول های انفرادی زندان "اوپن" که در رژیم شاه نیز شکنجه گاه بسیاری از افراد مبارز و انقلابی به شمار می رفت، هم اکنون نیز بسیاری از این نسر و هارادر خود جای داده است که اکثر آنها را هواداران سازمان ما تشکیل می دهد. عده زیادی از این رفقا را بدون اینکه از آنها خبری به

خانواده شان رسیده باشد، ماه ها است در این سلول ها نگاه داشته اند.

چرا محمد رضا سعادت عمو سازمان مجاهدین خلق ایران هنوز آزاد نشده است؟ به چه دلیل و با کدام قانون نیروهای انقلابی را ماه ها بلا تکلیف در این زندان ها و در کنار عناصر ساواک و مزدوران شاه بازداشت کرده و شکنجه می نمایند؟

حتی قانون اساسی ارتجاعی مصوبه در مجلس خبرگمان هم چنین اعمال وحشیانه را "محاز" ندانسته است.

افشای سیاست های ضد دمکراتیک و ضد مردمی که به کار گرفته شده و می شود، حقایق را برای توده های میلیونی بازگو نماید.

آنچه که در زیر می خوانید گزارش یکی از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران است که به هیئت تحریریه کارارسنال شده است.

* * *
من محسن یکی از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران به اتفاق یکی از رفقا در شب ۲۳ آبان ۵۸ در حوالی خیابان قضاالدست مشغول پخش اعلامیه بودیم که با ما موران کمیته روپر و شدیم. پس از تقش بندی آنها فقط سه اعلامیه از ما گرفتند. به محض دیدن آرم سازمان باکتک ما مورین کمیته در همان محصل دستگیری روپر شدیم. بعد ما را به کمیته منتقل کردند. در آنجا با دوتن از رفقای دستگیر شده دیگر که به خاطر همراه داشتن کلیشه سازمانی و نوشتن شعار روی دیوار بازداشت شده بودند، در داخل کمیته بیس طر و حشبانهای به ما حمله کردند. ما را به باد کتک گرفتند. شب در کمیته بازداشت بودیم. صبح با ما را به دادستانی ارتش منتقل کردند. در آنجا مورد بازجویی قرار گرفتیم و سه روز در دادستانی بازداشت بودیم. و در بازجویی هایی که در شخص بازجو که از دانشجویان تازه فارغ التحصیل و مذهبی متعصب بود، هر چه می پرسید

برخاسته از کینه های شخصی نسبت به سازمان بود. بعد ما را به اوپن منتقل کردند، ما را به سلول های انفرادی که بازمانده رژیم سابق بود، انداختند. در آنجا متوجه شدیم که تنها نسیم و رفقای زیادی در آنجا هستند که همگی از هواداران سازمان بودند. در اوپن به خاطر خواندن سرود چشمان مرا بسته و مرا به باد کتک گرفتند و بار دیگر به خاطر تماس و صحبت کردن با اول بغلی با کتک مفصلی بند من زدند. رفتار مسئولان زندان ما را رفتار یک زندانی و زندانبان نبود، بلکه رفتار یک دشمن بسا اسیر جنگی بدتر بود. در تمام طول مدت در اوپن ما مریض بودیم و این به خاطر سرمای بیش از حد سلول ها و پوتی کم بود. در آن رفقای بودند که ما را به خاطر پخش اعلامیه، در سلول انفرادی به سر می بردند. حدود ۲۰ روز در سلول های انفرادی بودیم بعد ما را به سلول های انفرادی دو نفره منتقل کردند. قبل از این که منتقل شویم ده تن از کارگران بیکار را به اوپن آوردند و در همانجا که ما بودیم بازداشت کردند. رفقای کارگرفتنی دیدند که تنها نیستند خیلی خوشحال شدند. پس از ورود آنها به اوپن که سیل سرود و شعار سراسر بند را فریاد می کردند. رفقای هوادار دیگر از کتک و فاشیسی ما موران ترسی نداشتند. پس از ۲۲ روز بازداشت در اوپن ما را به اولین جلسه بازجویی بردند. در بازجویی ارتش کتک، ولی نه بطر شد. بعد، خودداری نمی کردند. بالاخره مجبور شدند به خاطر فشار خانواده بر مسئولان ما را آزاد کنند. ولی هم اکنون در اوپن تعداد زیادی از ما زبسن و کارگران در بازداشت به سر می بردند.

من روز جمعه در روز ۲۰ آذر ۵۸ آزاد شدم.

با پیار به بربری خلق های ایران و رهائشی کارگران و زحمتکشان

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود



افشاء و طرد عناصر سازشکار هیئت مدیره سندیکای مستقل کارگران خیابان تهران و حومه

نقطه عطفی در مبارزات کارگران

بقیه از صفحه ۱

شد که کارگران از هیئت مدیره سندیکا بخواهند تا اعلامیه ای صادر نموده و این عمل فرصت طلبانه را افشاء و محکوم نمایند. ولی عدم موضوعی قاطعانه هیئت موسس و قشاکار کارفرما و هیئت مدیره سندیکای بافنده سوزنی و هیئت تدارک سندیکای کفاح باعث جلوگیری از صدور این اعلامیه شد. این راهپیمایی از یک سو ضربه ای قاطع بود بر عناصر سندیکالیست هیئت موسس و از سوی دیگر خود سندیکا را نیز تضعیف نمود. عده ای از عناصر وابسته به حزب جمهوری اسلامی که از رشد و گسترش کمی سندیکا به وحشت افتاده بودند با بهانه قراردادی

خود در پاسخگویی به نیازهای مردم و خواستهای عاجل کارگران نمود. از ارائه برنامه عملی جهت تحقق اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سندیکا عاجز ماند. این ضعف هیئت موسس و به ویژه ناتوانی دیدگاه سندیکالیستی در حل مسائل در نهایت به بن بست رسیده و به انحراف بیشتر و جدی تر کشیده شد. آنچنانکه با هراس از

کارفرمایان سعی کردند از طریق خود کارگران شکافی بین آنها بوجود آورند. با افزایش درجه ضربه پذیری تشکیلات کارگری، امکان هرگونه مقاومت دسته جمعی را از آنان سلب نمایند. به همین مناسبت شورای اسلامی کارگران خیابان را که ظاهراً یک تشکل کارگری ولی عملاً تحت اداره کارفرمایان است در آبان ماه امسال به وجود آوردند. این برنامه نیز با عدم استقبال کارگران صفت مواجه شده و تاکنون موفقیت چندانی نداشته است.

در آن تضعیف نموده و کاهش می دهد. بر چنین زمینه مادی بود که جو ناشی از فشار پلیسی و اختناق رژیم شاه و همچنین نفیستودیدگاههای سازشکارانه "توده های" در تشکیلات سندیکایی اصناف طی سالهای گذشته، ایجاد یک تشکیلات واقعی کارگری را در این صنف ناممکن ساخته بود. ولی طی یک سال اخیر درک ضرورت تشکل کارگران، رشد کیفی قابل ملاحظه ای یافته است.

۴- تشکل کارفرمایان: استاد کاران و کارفرمایان بنا داشتن اتحادیه قادر به تصمیم گیری دسته جمعی در مقابل کارگران بوده و با حمایت از سوی دولت و باسوا استفاده از ناآگاهی و عدم تشکل کارگران، جلوی هرگونه حرکت حق طلبانه کارگری می گرفتند. آنها در طی ماههای اخیر در ابعاد تازه تری چون گذشته همان منافع را تعقیب می نمایند. آنها هم با تحریک و تقویت انگیزه های سنتی و بسا سوء استفاده از عواطف مذهبی کارگران در چارچوب جو مذهبی

متجاوز از ۳ هزار کارگر در رشته های مختلف از قبیل سربازی، دوزی، شخصی دوزی، پیراهن دوزی، عسروس دوزی، بجه گانه دوزی، افشوری دوزی زنانه و مردانه و... در آنها به کار تولید مشغولند. اکثر کارگاهها (به ترتیب سابقه و قدمتشان) در مناطقی مانند بازار ناصر خسرو، باب همایون، لاله زار محدوده سه راه جمهوری و قسمتی از خیابان مصدق واقع اند که بخش قابل توجهی از کارگران خیابان را جذب نموده اند. اکثریت کارگران خیابان در شرایط بسیار دشواری در کارگاه های کوچک نیروی کارشان را عرضه می کنند. تعداد کارگران این قبیل کارگاه ها معمولاً بین ۲ تا ۱۰ نفر است و تعداد قلبی از کارگران در کارگاه های بزرگتری که بیش از ۱۰ کارگر دارد، کار می کنند. ترکیب اجتماعی تولید، در چارچوب تولید غیر متمرکز و محدود، تقسیم کار اجتماعی ساده و روابط سنتی خرد بورژوازی موانعی جدی در جهت مبارزه اجتماعی کارگران حول تشکیلات مستقل کارگری ایجاد می نماید. هنوز آنچنانکه باید سنت های خرد بورژوازی مبارزه کارگران (مبارزات انفرادی و...) جای خود را به سنت های نوین - مبارزاتی (مبارزه اجتماعی - طبقاتی کارگران) نداده است.

۲- نازل بودن سطح آگاهی: اکثریت عظیمی از کارگران خیابان بی سوادند و تنها اقلیت ناچیزی از آنها قادر به خواندن و نوشتن در سطح ابتدائی هستند. پایین بودن سطح آگاهی کارگران کارگاه های حوالی بازار و نقاطی که روابط سنتی کارگاهی بیشتر در آنها حفظ شده است، همچنین در کارگران شاغل سربازی ها بیشتر از دیگر کارگاه ها به چشم می خورد. در مورد کارگران سربازی این مسئله ناشی از عدم ارتباط آنها با محیط خارج از کارگاه است که خود نتیجه طولانی بودن زمان کار آنها می باشد. ولی بطور کلی تسلط جو روابط سنتی پدربزرگان سنتی بر بهره کنی استادکارها و کارفرماها در محیط کارگاهها حائز اهمیت است. در بسیاری از این کارگاهها هنوز کارگران آنچنانکه باید از حلقه روابط سنتی رهائی نیافته اند. هنوز کارگر (قبل از همه) در رابطه با استاد کار شناخته می شود تا در ارتباط با کارگران دیگر. و به همین دلیل سندیکا چندین شاخه شده نیست. تاخیر بالنسبه قوی روابط سنتی، خط و مرز طبقاتی را هنوز که هنوز است از هاله ابهام بیرون نیاورده و کاملاً آشکار و عریان نکرده است.

۳- عدم تشکل کارگران: پراکندگی ناشی از حملات تولید کارگاهی (که عمدتاً متکی بر ابزار سنتی است)، تسلط قابل توجه روابط سنتی و تا درجه هینی امکان و توهم "ارتقاء" و جایجایی طبقاتی کارگران در اینگونه فعالیت های تولیدی، زمینه تشکل پذیری و ظرفیت سازمان بایی گسترده و متمرکز را

مخالفت های آشکار با اعتراضات حق طلبانه کارگری و حتی رد پیشنهادات تشکیل صندوق اعتصاب و محکوم کردن هر نوع اعتصابی، سازش با کارفرماها و خلاصه معاشات با وزارت کار در همه زمینه ها به قیمت دریافت چند فقره وام کارگری و نومنوهای مشخص دیگر، نشان دهنده تلاش های همه جانبه آنهاست. بود که می کوشیدند تا علم سازشکاری و فرصت طلبی را بر بام سندیکا برافرازند.

راهپیمایی اول ماه مه در مسیح د عوت شده به وسیله توده ای ها و درج آن در روزنامه "مردم" خواستار برکناری مسئولین هیئت موسس و انحلال سندیکا و برپایی سندیکای اسلامی به نام "سندیکای اسلامی کارگران خیابان" شدند و در راه رسیدن به آن از احساسات مذهبی کارگران نهایت سوء استفاده را نمودند. ولی بجز موفقیتی که در مورد برکناری هیئت موسس نصیبشان شد، موفق به اجرای قسمت دوم نقشه یعنی انحلال سندیکا نشدند.

فرمست ها که در این جریان خود از محرکان برنامه فسوق بودند، با موضع گیری های مودبانه شان، به صورت سگوت در مقابل حملات عناصر متعصب مذهبی و گاه تأیید حرکات آنها و منحرف کردن جهت انتقادات از خودشان به سمت عناصر سندیکالیست و مقرر جلوه دادن آنها، فرصتی برای تخفیف جو ضد "توده ای" و توجیه حرکات خود یافتند. آنها در هم آوازی با عناصر متعصب در این جریان، گوی حرکتی ضد کارگری را حتی از خود آنها نیز ربودند.

این هم آوازی و خوش رکصی اداره امور سندیکا را برایشان به ارفغان آورد. ولی در جریان این درگیری ها که مدتی حدود یک ماه پس از راهپیمایی اول ماه مه، ادامه داشت، بسیاری از کارگران را از چنین سندیکایی روی گردان نمود. چرا که عملاً با مشاهده صحنه سازی های پدید شده با موضع ضد سندیکایی پیدا می کردند یا با دست کشیدن از فعالیت های سندیکایی، عملاً به انفعال کشیده می شدند. تا بدانجا که تعداد کارگرانی که در جلسات کنفرانس عمومی شرکت می کردند از حدود ۲۵۰ نفر به ۱۰۰ نفر کاهش یافت. هیئت مدیره وقت سندیکا جهت اجرای سیاست های خود در درون سندیکا مخالفت های جدی کارگران آگاه و مترقی مواجه می شد. ولی بهلت

حرکت های اعتراضی و اعتصابات کارگری، به تبلیغ عدم شرکت در آن پرداخت و از آنجا که یک جریان قوی و پیشروی کارگری در سندیکا هنوز شکل نگرفته بود، این امر موجبات تقویت فرصت طلبان و سازشکاران شد. این جریان موفق گردید بسا سوء استفاده از تضاد بین بخشی

۳- اعضاء هیئت موسس عموماً و عناصر سندیکالیست خصوصاً هیچ برنامه عملی و شعار مشخصی که پاسخگوی خواست های کارگران باشد نداشت. در عوض با طرح شعارهایی نظیر "ریشه کن کردن استثمار فرد از فرد از طریق سندیکایی" سعی در لاپوشانی ناتوانی های خود در پاسخگویی به نیازهای مردم و خواست های عاجل کارگران نمود.

حمایت سندیکایی از آنها، در زمینه ارائه رهنمود و کمک های مالی، سکوت در مقابل اخراج کارگران، استفاده نکردن از امکانات تبلیغاتی از قبیل پخش اعلامیه و تراکت و انتشار نشریه عدم موضع گیری مناسب و قاطعانه در مورد مسئله "راهپیمایی اول ماه مه" و غیره همگی نشانه عدم درک هیئت موسس از لزوم برقراری ارتباط فعال بین کارگران و بین هیئت مدیره و صنف بود. پس از قیام، اعضاء هیئت موسس

تحولات درون سندیکا سندیکای کارگران خیابان و پیراهن دوز تهران و حومه، حدود یک سال پیش بنا به دعوت عده ای از کارگران خیابان و پس از سالها تعطیل تشکیل شد. هیئت موسس ۵ نفری مرکب بود از چند نفر که با سندیکالیست صرف بودند و یا اساساً غیرفعال. که در مسائل سندیکایی و صنفی از اتخاذ هرگونه موضع قاطع اجتناب می کردند. مثلاً عدم موضع گیری در قبال اعتصابات کارگری و عدم

پس از قیام هم با استفاده از کمک های فکری استادکارانی که خود در گذشته کارگر و آشنا به مسائل کارگری بوده اند این منافع را تعقیب می کنند. بخصوص نقش استادکاران اخیر در فریب کارگران قابل توجه است. بعضی از اینها با استفاده از "رهنمودهای" سپاه پاسی "توده های" کمک های بی دریغ فکری خود را در خدمت اجرای سیاستی "متین و واقع بینانه" درمی آورند. به همین دلیل ما شاهد گره خوردن رفرمیسم خرد بورژوازی "توده ای ها" با منافع خرد بورژوازی استادکاران هستیم و این دو سیاست "واقع بینانه" واحدی در مقابل کارگران اتخاذ می کنند. این دو سعی می کنند

فعالیت های کارگری را در چارچوب منافع اتحادیه کارفرمایان محدود و منحصر نمایند. در پی تحقق این سیاست در فروردین ماه امسال، کارفرمایان بازار یک باره به فکر کارگران خویش افتادند و تصمیم به تشکیل سندیکای مشترک کارگران و کارفرمایان گرفتند و با اعلام این که "کارگران و کارفرمایان همه مستمعند" سعی در تحمیل هرچه بیشتر کارگران نمودند. دعوتی به عمل آمد و جلسهای در مسجد هروی تشکیل شد که با مخالفت کارگران آگاه، این تلاش کارفرمایان به شکست انجامید. پس از این شکست،

از نتایج مستقیم فعالیت کارگران آگاه و پیشرو ارتقاء سطح مبارزاتی سندیکا بود که ضربه ای کوبنده بر پایگاه عناصر فرصت طلب و رفرمیست درون سندیکا وارد کرد و رشد سریع جریان پیشروی کارگری و زوال بیشتر جریان منحرف و سازشکار، صفت بندی نیروهای درون سندیکا را تسریع کرد.

عموماً و عناصر سندیکالیست خصوصاً با استفاده از شرایط نیمه مکرانیک حاکم بر جامعه تبلیغات نسبتاً وسیعی جهت جذب کارگران به سندیکا نموده و در این امر نیز تا حدی موفق شد. ولی در مقابل افزایش تقاضاهای کارگران جهت عضویت در سندیکا هیچ برنامه عملی و شعار مشخصی که پاسخگوی خواست های کارگران باشد نداشت. در عوض با طرح شعارهایی نظیر "ریشه کن کردن استثمار فرد از فرد از طریق مبارزه سندیکایی" سعی در لاپوشانی ناتوانی های

فعالیت های کارگری را در چارچوب منافع اتحادیه کارفرمایان محدود و منحصر نمایند. در پی تحقق این سیاست در فروردین ماه امسال، کارفرمایان بازار یک باره به فکر کارگران خویش افتادند و تصمیم به تشکیل سندیکای مشترک کارگران و کارفرمایان گرفتند و با اعلام این که "کارگران و کارفرمایان همه مستمعند" سعی در تحمیل هرچه بیشتر کارگران نمودند. دعوتی به عمل آمد و جلسهای در مسجد هروی تشکیل شد که با مخالفت کارگران آگاه، این تلاش کارفرمایان به شکست انجامید. پس از این شکست،

فعالیت های کارگری را در چارچوب منافع اتحادیه کارفرمایان محدود و منحصر نمایند. در پی تحقق این سیاست در فروردین ماه امسال، کارفرمایان بازار یک باره به فکر کارگران خویش افتادند و تصمیم به تشکیل سندیکای مشترک کارگران و کارفرمایان گرفتند و با اعلام این که "کارگران و کارفرمایان همه مستمعند" سعی در تحمیل هرچه بیشتر کارگران نمودند. دعوتی به عمل آمد و جلسهای در مسجد هروی تشکیل شد که با مخالفت کارگران آگاه، این تلاش کارفرمایان به شکست انجامید. پس از این شکست،

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان (قسمت سوم) علیه شرکت های امپریالیستی در جنوب

شرکت گازگران حفاری در اعتصاب سیاسی نفتگران، آگاهی طبقاتی آنان را افزایش داده، بطوری که این کارگران دیگر مبارزه با دیکتاتوری را از مبارزه با امپریالیسمی که ستمش را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند، جدا نمی دانستند. می توان گفت کارگران حفاری در تمام طول جنبش، بطور فعال شرکت داشتند.

فردای قیام خونین بهمن ماه که کارگران به سزاکار برگشتند امید داشتند که دیگر زیر بار ستم امپریالیسم و مزدوران و وابستگان آن نباشند. اما تنها چیزی که عوض شده بود این بود که فقط کارگران خارجی شرکت های امپریالیستی فرار کرده بودند ولی عمال دسته نشاندگان آنان مثل سابق، دستورات آنها را - این دفعه از بحریین و کوبیت و... دریافت و اجرا می کردند کار همان کار بود و استثمار به همان شدت و قوانین کنار همان قوانین ضد کارگری رژیم سابق بود.

اما کارگران عوض شده بودند آنان در جریان جنبش دریافتند بودند که تفرقه بزرگترین سلاح دشمن و اتحاد برنده ترین سلاح آنها است. کارگران به این نتیجه رسیدند که با وجود جابجایی مهرها، باید مبارزه را همچنان ادامه داده و در راه رهایی از استثمار در حلقه اول باید امپریالیسم را که مستقیماً با آنان رو در رو بود کوبید. بنابراین از همان هفته های نخست بعد از قیام، سمت گیری مبارزات کارگران حفاری، بر علیه امپریالیسم بود. از این رو بود که نضادیه انقلابی کلیه اموال شرکت ها و تأسیس شرکت ملی حفاری نفت ایران مطرح و بتدریج عمده شد.

اما از آن سو، ایران پس از قیام، دیگر آن جزیره شبنم و امنیت برای امپریالیسم نبود. با وجودی که دولت موقت بازرگان در سمت گیری برای تأمین شرایط مساعد جهت بازگشت سرمایه های امپریالیستی، تمام قوانین ضد کارگری گذشته را تأیید نمود، مبارزات کارگران راه را بر اجرای صد در صد آنها نمی بست. دولت موقت بنا بر ماهیست بورژوازی خویش به جای لغو قراردادهای غارتگرانه و مصادره انقلابی اموال شرکت ها، قراردادهای محترم شمرده و بر اساس آنها به شرکت ها پرداخت می کرده و فرصت داد که این شرکت ها با خیال راحت دست به اخراج کارگران زده و اموال خود را از ایران خارج کنند. در حالی که این اموال حق مسلم زحمتکشان ایران بود. زیرا چند برابر ارزش مجموع آن از جانب زحمتکشان ایران غارت شده بود. یکی از روسای شرکت های حفاری امپریالیستی در بحریین گفته بود که:

" ما فکر می کنیم هنوز شاه در

ایران حاکم است " اخراج کارگران و دزدیدن وسایل حفاری بوسیله شرکت ها و با حمایت دولت موقت و بازماندگان رژیم سابق در صنعت نفت، از فروردین ماه ۵۸ و از شرکت وسترن آغاز شد. برنامه این بود که برای جلوگیری از عکس العمل یکپارچه کارگران ورشد مبارزات آنان، توطئه اخراج آنان و خروج اموال شرکت ها - نه بطور همزمان - بلکه با فاصله های زمانی اجرا شود. اخراج کارگران شرکت حفاری وسترن با پرداخت وجهی در برابر سوابق هر یک و خروج وسایل و تجهیزات این شرکت از ایران، نخستین هشدار را به کارگران داد. اما هنوز کارگران آمادگی لازم برای اقدام جمعی نداشتند. در اردیبهشت ماه کارگران شرکت سننانه، اختاریه

اخراج خود را دریافت کردند خطر بیکاری و عدم امکان اشتغال، در شرایطی که میلیون ها تن از هم زنجیرانشان بیکار بودند، آنان را وادار به مقاومت کرد. هنگامی که شرکت سننانه توانست با کمک ایدای امپریالیسم دکل بزرگ خود را از ایران خارج نماید، مقاومت کارگران شدت گرفت. طلایه داران حرکتات مقتدماتی اعتراضی، کارگران شرکت های سننانه، بی جبه B J و سنن ریدینگ اند بیس بودند. دولت با همدستی مزدوران امپریالیسم و به خواست شرکت ها، به اخراج کارگران کمک می کرد. لیکن با مقاومت روزافزون کارگران روبرو شد. کارگران پیشرو حفاری و همچنین کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب با تمام توان خود سعی در آگاهی هم زنجیران خود و نشان دادن لزوم اتحاد آنان داشتند. کارگران پس از مدتی و برای هماهنگی مبارزات خود تصمیم گرفتند نمایندگانی انتخاب نمایند. ولی نمایندگان کارگران در این دوره که در هر شرکت نام " کمیته امام " بر خود نهاده بودند یا همدستی کمیته " کار و امور اجتماعی " در اهواز بر علیه کارگران توطئه چینی می کردند. دیری نگذشت که ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری این کمیته ها که تحت نفوذ عوامل ارتجاعی و فرصت طلب در اهواز بودند برای کارگران افشا شد و " نمایندگان " رسوا شدند. در نتیجه کارگران این کمیته ها را منحل و در هر شرکت یک شورای کارگری تشکیل دادند. این آغاز مرحله نویسی در مبارزات کارگران بود.

مرحله ای تازه از مبارزه: کارگران پیشرو حفاری در این میان، با پخش اعلامیه ها و تراکت های خود، کارگران قهرمان حفاری را به اتحاد در راه مبارزه به هم پیوسته برای کار و بر علیه امپریالیسم دعوت کرده و خواست های زیر را مطرح کردند:

جلوگیری از بیکاری کارگران ملی شدن واقعی کلیه اموال شرکت های امپریالیستی حفاری و خدمات جنبی و تأسیس شرکت ملی حفاری نفت ایران. این خواست ها به سرعت به شعارهای اتحاد کارگران تبدیل شد و مبارزات آنان اوج گرفت اوج مبارزات، توطئه های امپریالیسم و مزدوران داخلی آن را بر علیه کارگران مشعل توطئه بودن دکل حفاری شرکت ریدینگ اند بیس - ناکام گذاشت. با وجودی که به خاطر تفاوت قراردادها و اختلاف زمانی توطئه اخراج کارگران مبارزات آنان در ماه های نخست پس از قیام پراکنده و جدا از هم بود. ولی حرکت انقلابی کارگران هر شرکت، دیگر کارگران حفاری و خدمات جنبی را نیز به میدان مبارزه می خواند. آنان به خاطر این که در بیکاری همزمانشان بیکاری و سرگردانی خود را در آینده نزدیک می دیدند، به صحنه مبارزه کشیده شدند. در این مبارزه از تجربیات طلایه داران مبارزه بهره می گرفتند. به این ترتیب جنبش کارگران حفاری به تدریج رشد کرد و مبارزه در دو جبهه - یکی جبهه مبارزه بر علیه امپریالیسم از راه مصادره انقلابی اموال شرکت ها و دیگری جبهه مبارزه برای تأسیس شرکت ملی حفاری - ادامه داشت. به تدریج کارگران اداره شرکت ها را در دست گرفتند. در شهر بومماه مبارزه کلیه شرکت های حفاری و خدمات جنبی را در بر گرفت. دولت مرکزی که از این امر و گسترش مبارزه کارگران احساس خطر می کرد، هیئتی را به ریاست کاظم مهدوی (عامل امپریالیسم و نوکر عبدالله انتظام مدیر عامل صنعت نفت در دولت نظامی از هاری) به اهواز فرستاد. ضرورت مقابله با دسیسه های این هیئت و دیگر کارگزاران امپریالیسم و عوامل ارتجاع در منطقه، کارگران را وادار کرد تا با ادغام شوراهای خود، دست به تشکیل کانون شوراهای حفاری و خدمات جنبی بزنند. نتیجه مذاکرات هیئت اعزامی دولت با کانون شوراهای، از پیش معلوم بود. هیئت اعزامی نه تنها آشکارا به وقت گذرانی و تفرقه افکنی در میان کارگران مشغول شد، بلکه با همکاری مدنی جلا و و رشوفی - مدیر کل اکتشاف و تولید صنعت نفت و نوکر دیرینه امپریالیسم - توطئه رسیدن ۵ دکل حفاری باقی مانده شرکت سننانه را ریختند، تا از این راه و با تقدیم دکل ها به اربابان خود به آنان خدمت کرده باشند. کارگران به محض آگاهی از این توطئه، دلیرانه در برابر آن پایداری کردند و با وجود این که تا آن هنگام دو دکل از ۵ دکل از ایران خارج شده بود، جلوی بودن ۳ دکل دیگر را گرفتند. با وقت گذرانی و توطئه های

بقیه از صفحه ۳ افشاء و طرد عناصر سازشکار هیئت مدیره سندیکای ...

عدم تشکل و کم تجربگی این کارگران در مبارزه سندیکایی (در اوایل کار) هیئت مدیره موقت موفق شد در مدت کمی با بهره گیری از " رهنمودهای برادرانه " عناصری از هیئت مدیره بافنده سوزنی و کفافی، سندیکای کارگران خیاط را به زائده وزارت کار بدل نماید. مخالفت های آشکار با اعتراضات حق طلبانه کارگری و حتی رد پیشنهادات تشکیل صندوق اعتصاب و محکوم کردن هر نوع اعتصابی، سازشکار فراموها و خلاصه مفاشات با وزارت کار در همه زمینه ها به قیمت دریافت چند فقره وام کارگری و نمونه های مشخص دیگر نشاندهنده تلاش های همه جانبه آنهاست بود که می گویند تا علم سازشکاری و فرصت طلبی را بر بام سندیکا پرافرزند. این دیدگاه با جلوگیری از هرگونه خواست و حرکت اعتراضی کارگران و مبارزه با آن با انکای صرف به کانال های نفوذ از بالا، سیاست کارگری عمیقاً فرمیستی اش را بارها و بارها نشان داده است. ادامه این سیاست ها از یک سو و خطر بیکاری و کم کاری ناشی از کمبود مواد و اخراج های بی دربی کارگران توسط کارفرمایان و افزایش هزینه زندگی بدون ارتقاء سطح دستمزدها، عدم دسترسی به خدمات و... خلاصه محروم بودن از ابتدائی ترین حقوق از سوی دیگر، آنچنان تأثیر سوئی در ذهنیت کارگرانی که با شور و شوق بسیار به سندیکا روی آورده بودند، باقی گذاشت که تعداد کارگران شرکت کننده در جلسات کنفرانس عمومی از ۲۵۰ نفر در اوایل اردیبهشت ماه به ۴۰ نفر در شهریورماه تنزل یافت و سندیکا را تا آستانه از هم پاشیدگنی پیش برد. ولیکن در سراسر مدت ۶ ماه که هیئت مدیره موقت اداره سندیکا را در دست داشت کارگران مبارز و پیشروی سندیکا به تدریج با افشای سیاست های سازشکارانه و فرمیستی آنان و تبلیغ شوراهای صحیح مبارزات صنفی، ضمن شرکت فعال در مبارزات آنها از قبیل تشکیل صندوق اعتصاب به منظور کمک کارگران اعتصابی، تشکیل کلاس های متعدد سواد آموزی شرکت در کمیسیون های مختلف سندیکا، کوشش در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران از طریق ایراد سخنرانی های متعدد در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، برپائی تظاهرات راهپیمایی ها به منظور حمایت از اعتصابات کارگران صنف و... توانستند به سندیکا جان تازه ای

هیئت اعزامی و عوامل امپریالیسم و ارتجاعیون منطقه کانون شوراهای دریافت که دیگر نمی توان با این مزدوران از طریق مذاکره به نتیجه رسید. شکل جدیدی از مبارزه لازم بود. مبارزات کارگران را ارتقا دهد. طرح تحمن در اداره مرکزی صنعت نفت در اهواز، از همینجا مطرح شد. ادامه دارد

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



کارنامه ننگین یکساله دوستان امپریالیسم آمریکا را مرور کنیم

سخنران در آغاز با درود به خلق های قهرمان ایران یاد آورد شد، سال گذشته در چنین روزهایی ارتش با تانک به صفوف مردم مبارز حمله می کرد، ارتش در این روزها صدها تن از مردم قهرمان کرمانشاه، خراسان، قزوین و سایر نقاط میهن را به شهادت رساند، برای بزرگداشت خاطره این شهیدان یک دقیقه سکوت می کنیم. در این هنگام جمعیت حاضر به پا خاستند و با مشت های گره کرده به احترام همه شهدای به خون خفته خلق، یک دقیقه سکوت کردند.

از زمانی که ایران در آستانه موفقیتهای انقلابی قرار گرفت، عناصر و محافل سرمایه داری کوشیدند تا رخنه در صفوف مردم از وجوهی مبارزات توده ها و جلوگیری کنند. این تلاش ها بعد از قیام هم ادامه پیدا کرد و هنوز هم به اشکال مختلف ادامه دارد.

ما قبل از این که به افشای سیاستی که در این زمینه پیوسته دستمان رسیده است بپردازیم، ابتدا شماری از تالیتهای این عناصر لیبرالی را که به ویژه در دو ماهه قبل از قیام بعضی در روزهای ناسوعا و عاشورا به اوج خود رسیده بود، خاطر نشان می کنیم و سپس از کارنامه ننگین یک ساله دوستان امپریالیسم بسیار فشرده سخن خواهیم گفت. سال گذشته همگی ما شاهد بودیم از نخستین روزهای آذرماه وقتی مبارزات مردم اوج تازهای یافت همه آنها که انقلاب را به زیان خود می دیدند و از آن وحشت داشتند برای کتک زدن مبارزات مردم به تلاش افتادند و سرمایه داران لیبرال برای حفظ سلطنت با رژیم به مشورت پرداختند و جلال نایب سنا تور مجلس با برخی از رهبران جنبه ملی و برخی از رهبران نهضت آزادی به این نتیجه رسیدند که اگر رژیم اجازه راهپیمایی های روزهای عاشورا و ناسوعا را بدهد و اگر اعلام کند که هرگونه اخلاکگری و بی نظمی را به شدت سرکوب می کند راه را برای بازگان، سنجایی و سایر رهبران جنبه ملی از خواهد گذاشت تا مردم را به راهش دعوت کنند و از دادن شعارهای ضد سلطنت و تند که موجب برخورد با ارتش شود بازدارند. احزاب و محافل سرمایه داری در آن زمان از رژیم می خواستند

بود که لیبرال ها از قدرت سیاسی به کف آورده بودند. لیبرال هایی که برای جلوگیری از اوجگیری جنبش به هر اقدامی دست زده بودند. آنها از نخستین روز قیام بهمن تلاش کردند از متلاشی شدن ارتشی که برای حفظ منافع امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران دهها هزار تن از فرزندان دلارور ما را به شهادت رسانده بود، بختیار را جلو انداختند تا با فشار از بالا و کوشش همهمه جانیه در جهت فنزوی کردن نیروهای انقلابی رژیم سلطنتی را نجات دهند.

کارنامه دولت بازرگان

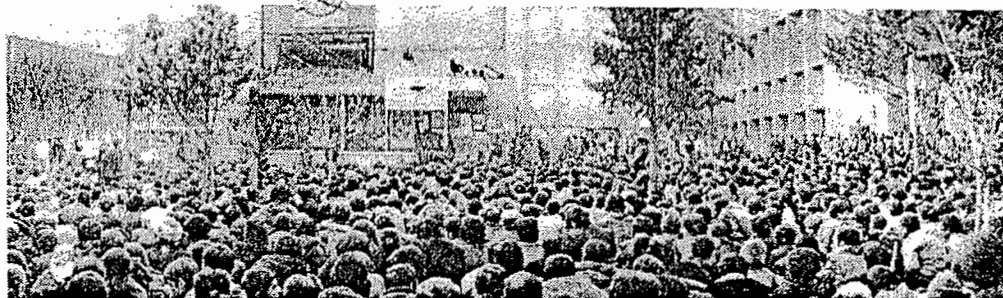
- ۱- کمزشتن فرماندهان جنایتکار در اسارتش و حفظ آن درست بهر بوه گذشته.
 - ۲- متلاشی ساختن شوراها و کارگران، دهقانان و پرسنل انقلابی ارتش و تلاش برای جلوگیری از ادامه مبارزات ضد امپریالیستی مردم.
 - ۳- دعوت سرمایه داران فراری برای تصاحب دوباره کارخانه ها و مخالفت آشکار با هرگونه اقدامی که ممکن بود به نفع زندگی مشقت بار طبقه کارگر بیانجامد.
 - ۴- تسلیح فتوئال ها برای سرکوب دهقانان زحمتکش.
 - ۵- درپیش گرفتن سیاست سرکوب خلق ها.
 - ۶- جلوگیری از افشای قرارداد های نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا با ایران.
 - ۷- جلوگیری از افشای شبکه های جاسوسی امپریالیسم آمریکا و بازسازی شبکه های ساواک.
- درواقع در پناه کابینه بازرگان بود که شبکه های جاسوسی امپریالیسم آمریکا مثل گذشته به فعالیت خود ادامه دادند و

که از یک طرف نسبت به کسانی که شعارهای سرنگونی شاه را مطرح نمی کنند با ملایمت رفتار کند و از سوی دیگر آنها را که به دنبال سرنگونی و شعارهای تند هستند سرکوب و تهدید کند تا آنها بتوانند هدف های سازشکارانه خود را به پیش برند. پس از این شور و مشورت ها بود که رژیم اجازه راهپیمایی های ناسوعا و عاشورا را به شرط رعایت نظم و آرامش داد و اعلام داشت که هرگونه بی نظمی و اخلاکگری را به شدت سرکوب می کند. جز این هم چاره ای نداشت. رهبران جنبه ملی و سایر محافل سرمایه داری پس از این مقدمات در صبح ناسوعا خود را جلوی صفوف عظیم راهپیمایان انداختند و با طرح و تکلم شعارهای سازشکارانه و تسلیم طلبانه کوشیدند از طرح شعارهای مرگ بر شاه جلوگیری کنند. هر جا که مردم و نیروهای انقلابی خواستند شعارهای مرگ بر شاه و از این قبیل را مطرح کنند فوراً عوامل اینها به بهانه اخلاکگری و ایجاد آشوب و امثال آن جلوی مردم را می گرفتند. پس از راهپیمایی های عاشورا و ناسوعا برای آگاهی مردم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طی اعلامیه های سیاست عوام فریبانه و سازشکارانه جنبه ملی و جناح روحانیون به اصطلاح میانه رو را توضیح داد و نشان داد که چگونه این محافل می کوشند رژیم سلطنتی را نجات دهند. پس از این جریانها، بختیار که از رهبران سرشناس جنبه ملی

بازرگان نخست وزیر می شود

روزهای نزدیک قیام بود که بازرگان به عنوان نخست وزیر معرفی شد و با این که توده مردم در جریان مبارزات خود پی به ماهیت سازشکارانه بازرگان و امثال او برده بودند به اعتبار انتخاب آیت الله خمینی توده مردم به خیابان می ریزند و شعار "درد بر بارگان، نخست وزیر ایران" درو دیوارهای شهرها و روستاهای ایران را می پوشانند، درودهایی که بازرگان و امثال او به هیچ وجه لیاقت آن را نداشتند بازرگان در واقع از نظر ماهیت با بقای همان بختیار بود به اضافه یک ریش و تسمیح. نخست وزیر شدن بازرگان در واقع نشانه سهم قابل تاکیدی

افشای سرمایه داران...



تقما: صفحه ۱

شد. پس از پایان اجتماع، مردم با شعار "نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا"، "درگیری توطئه آمریکا است" با وجود کوششهایی که از طرف مهاجمین برای متوقف کردن سیل جمعیت به عمل می آمد، از درهای دانشگاه خارج شدند و به آرامی محوطه را ترک کردند.

پس از خروج مردم از محوطه میتینگ، عناصر مزدوری که از افشای محافل سرمایه داری لیبرال به خشم آمده بودند به دفاتر سازمان های سیاسی - صنفی دانشجویی در دانشگاه پلی تکنیک حمله کرده و به تخریب دفاتر پرداختند. از صبح شنبه، دانشجویان دانشگاه، به عنوان اعتراض به تهاجم و تجاوز به حریم دانشگاه دست به اعتصاب زدند. چندی بعد، استادان دانشگاه نیز با محکوم ساختن تجاوز به حریم دانشگاه با دانشجویان همصدا شدند. تا از سنگر آزادی و یکی از دژهای دفاع از منافع خلق های به پنا خاسته ایران پاسداری کنند.

حوادث ۴۰ تن از دو طرف زخمی شدند که زخم ها غالباً سطحی بود. در این اجتماع ابتدا کارنامه ننگین یک ساله دوستان امپریالیسم آمریکا، دولت موقت بازرگان و شرکا، مرور شد و سپس روابط پنهان دوستان و جاسوسان آمریکا با ماموران سیا و انگلیس اسناد ارائه شده افشا و مورد تحلیل قرار گرفت و در آخر مقاله های تحت عنوان "مبارزه طبقاتی را باور کنیم" خواننده

امریکا، از درگیری جلوگیری کند اجتماع کنندگان و کمیته انتظامات با شجاعانه تحسین انگیزی در مقابل مهاجمین استادگی کردند و هربار آنها را وادار به عقب نشینی می ساختند. در میان مهاجمین که رهبری آنها را باند های شناخته شده سرعده داشتند علاوه بر عناصر ناآگاه و نحربک شده، عناصر سه جهانی وابسته به سازمان سیا نیز دیده می شد. در این

سازمان با فتهاد بیش از هزار زمانی و با بیشترین تعداد برای برهم زدن اجتماع روز جمعه سازماندهی شده بودند. باند های مهاجم از ورود مردم به دانشگاه پلی تکنیک ممانعت به عمل می آوردند و با وحشیانه ترین صورتی در حالی که به سلاح های سرد مجهز بودند به اجتماع کنندگان حمله می آوردند. انتظامات میتینگ با خونسردی کوشش می کرد با شعار "درگیری توطئه آمریکا است" و "مرگ بر

جاسوسخانه، افشا باید کرد" و... یک بار دیگر پشتیبانی کامل خود را از مبارزات پیگیر و خستگی ناپذیر توده های ستمدیده ایران علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا اعلام داشتند. شور شعارهای ضد امپریالیسم زمانی به اوج خود رسید که عده ای از عناصر ناآگاه و تحریک شده با چوب و چماق و سنگ به طرف نیروهای انقلابی حمله ور می شدند. صبرمناک نیروهای متوقفی مانع دست یافتن افراد تحریک شده به اهداف و رجوعی و آشوبگرانه شان بود. هدف از تشکیل میتینگ فتنای اسادی بود که پسرده از فعالیت های جاسوسی محافل و احزاب وابسته به بورژوازی لیبرال ایران برمی داشتند و بسیاری از دوستان دروغین مردم ما را که هنوز هم در مراکز قدرت جای دارند افشاه می ساخت. به همین خاطر نبر باند هایی که از فردای قیام برای برهم زدن اجتماعات و راهپیمایی های سروهای انقلابی

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

بررسی اسناد نشان میدهد:

اهداف احزاب و محافل بورژوازی لیبرال همان اهداف امپریالیسم امریکا است

در سند شماره ۳ که تاریخ ۱۷ شهریور را دارد، مراغهای مکالمه خود را با توم امریکائی چنین نت کرده است:

"در مورد سفیر گفتم شایع است، بانک، سفیر بشود، گفتم خیلی ها اسم او را می گویند، مثل کاتم، زویتس، کلارک، ولی اینها شایعات در تهران است، امریکا سفیری می خواهد که نماینده امریکا باشد نه ایرانیان،"

بسیم مراغهای رهبر یکی از احزاب و محافل وابسته به سرمایه داران لیبرال ایران، نماینده سخن گوی طیف سرمایه داران ایران چگونه تمام کوشش خود را معطوف به این می کند که در جهت تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا، در جهت تامین منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا که تا بین ساحل شرقی آمریکا و غرب با توسعه روابط اقتصادی می تواند اثر گذارد،"

در سند شماره ۸ توم امریکائی از مراغهای می پرسد ارتباط ما با آنها، یعنی متصدیان امور کم است. چه باید بکنیم. نظر شما چیست؟

مراغهای در همین سند اینطور به توم توصیه می کند:

"گفتم شما با بازرگان ارتباط داشته باشید. توم امریکائی گفت: وزیر مختار ما مرتبا با ایشان تماس دارد." مراغهای در همین سند، یعنی سند شماره ۸ در عین حال به توم توصیه می کند: عین جملاتی که در سند ضبط شده است: "با یزدی مشورت کنید" مراغهای در ادامه گفتگوهای خود تأکید دارد که چگونه او خواهان تحکیم روابط مبینان با امریکا است.

در سند شماره ۱۰ اینطور به امپریالیسم گزارش شده است:

"در این هفته بر علیه امریکا خیلی حرفها زدند. چند ماه حالت انتظار داشتیم و به قول معروف سرمان را می دزدیدیم که تو سرمان نخورد، اما فکر می کنیم می باید سیاستی داشته باشیم و در هر حال چه روابط سرد باشد چه گرم، چه ملایم باید ایران و امریکا رابطه معقول داشته باشند چیزی که فعلا وجود ندارد."

بسیم این سیاست معقول که مراغهای به مثابه یکی از رهبران محافل و احزاب لیبرال اعتقاد دارد باید تمامی محافل و احزاب وابسته به سرمایه داری لیبرال آن سیاست را اتخاذ کنند چیست؟ اسناد را برای بیکری ایسی سیاست بررسی می کنیم و کوشش می کنیم در تبیین اینکه چگونه این سیاست، سیاست سرمایه داران لیبرال ایران، سیاست طبعی سرمایه دار ایران است که ما منافع سرمایه داری جهانی به سرکردگی

امریکا پیوسته حدائی باید بر دارد.

در سند شماره ۸ می خوانیم از بخشهای امپریالیسم امریکا و جاسوسان و دوستان آنان که به منظور بعود در مراکز قدرت سیاسی ایران، تسخیر این مراکز قدرت و برای پیشبرد سیاستهای خود در حقیقت تنظیم کرده اند برده برداشت. بسیم که این تلاشهای مذبحخانه در چه زمینههایی

اینطور که می گویند از یک کانال مشخص اطلاعات را به دست می آورد.

در سند شماره ۱۲ مراغهای به "برکت" چنین می گوید:

"گفتم انقلاب ایران بیک انقلاب مردمی است و خمینی مظهر انقلاب است. مخالفت با خمینی مفید نیست."

از بررسی مجموعه این سمت از اسناد چنین برمی آید که: اولاً - یکی از تاکتیک هائی که

یکی از تاکتیک هائی که امپریالیسم امریکا در جهت تحکیم منافع خود و سرمایه داران لیبرال، دوستان و جاسوسان امریکا، برای تامین منافع طبقه خود آن را در پیش می گیرند تاکتیک نفوذ و نزدیک شدن به کسانی است که نقش تعیین کننده و حیاتی در حیات سیاسی جامعه ما دارند.

امپریالیسم امریکا در جهت تحکیم منافع خود و سرمایه داران لیبرال، دوستان و جاسوسان امریکا، برای تامین منافع طبقه خود آن را در پیش می گیرد. تاکتیک نفوذ و نزدیک شدن به کسانی است که نقش تعیین کننده و حیاتی در حیات سیاسی جامعه ما دارند.

تا سبب همگی این اسناد نشان می دهند که ارزیابی امپریالیسم امریکا، دوستان و جاسوسان آنها به استناد حمایت وسیع توده ای که خمینی از آن برخوردار است و به اعتبار پایگاه کثرتی شان جریان طبقاتی را که "خمینی" بدان منتسب است دشمن خود تلقی می کنند، زیرا منافع طبقاتی، طبقه سرمایه دار ایران که در پیوند با امپریالیسم به سر می برد، با منافع خرده بورژوازی ایران سازگار است. ثالثاً - بررسی اسناد نشان می دهد که لیبرالها و دشمنان مراغهای به نزدیکی با خمینی بسیار خوشبین تر از امریکا است. چه مراغهای، به نزدیکی با خمینی تأکید دارد و امپریالیسم امریکا چنانچه در اسناد دیگر نشان خواهیم داد، بدون این که توصیه های مراغهای را نادیده انگارد به موقعت لیبرالها، نفوذ توده ای آنان، امکان نشان و قدرت مانور سیاسی شان می اندیشد.

این قسمت از اسناد مباحث افشاکری های "دانشجویان" مسلمان پیرو خط امام را که در این زمینه صورت گرفته بود، تأیید می کند.

راعیانه تنها می گویند توسط ایادی و کسانی که مستقیماً با آنها در تماس هستند به ایسین شخصیتها و به چنین کسانی نزدیک شوند، بلکه در عین حال کوشش می کنند با اشغال پستهای حساس و با نزدیک شدن به محافل و اندهائی که در هیات حاکمه دارای قدرت هستند، در میان آنها نفوذ کنند و در میان آنها سر منجینی برای خود جستجو نمایند.

از مجموعه اسنادی که در دست داریم چنین برمی آید که در مورد مطالب هفته پیش به واشنگتن پیشنهاد کردم که شاید در مورد تماس با خمینی اقدام شود."

در سند شماره ۱۸ مراغهای همچنان بر راه حل خود اصرار می کند و زیر عنوان شماره ۵ در مورد سئوالی که از پرشت ما مور دیگر امریکائی کرده است چنین نوشته است: عین جملات سند:

"در مورد پیشنهاداتم که هر طوری باید امریکا با ایران رابطه برقرار کند گفت ما این پیشنهاد را فرستادیم، هنوز جواب دریافت نکردیم."

در سند شماره ۵ چینی می خوانیم:

"در مورد خمینی گفت عده ای او را محاصره کرده اند و

امپریالیسم امریکا به ویژه نیروی یک باند ۵ نفری تحت تکیه خاصی دارد.

در سند شماره ۸ توم امریکائی می گوید:

"به نظر می رسد قطب زاده، چمران، یزدی، طباطبائی صباغیان می توانند قدرت بیشتری به دست بگیرند."

چند سطر پایین تر در همین سند بود که توم مذکر می شود:

"ارتباط ما با مسئولین امور کم است. چه باید بکنیم و نظر شما چیست؟"

علاوه بر این دو تاکتیک که از آن صحبت کردیم، تاکتیک دیگری نیز وجود دارد. این تاکتیک به ما اجازه می دهد درک کنیم که چگونه امپریالیسم امریکا، دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا، برای پیشبرد سیاستهای خود تنها به افراد متکی نیستند. مطالبی که از این پس از آن صحبت خواهیم کرد نشان خواهد داد که چگونه امپریالیسم امریکا به طریقه عینی اجتماعی می باشد. چگونه این طبقه طبقه سرمایه دار ایران است که در

سیاست های امپریالیسم امریکا به اعتبار منافع و علائق طبقاتی طبقه و قشر معینی که در جامعه وجود دارد به پیش راننده می شود و مورد پشتیبانی و حمایت قرار می گیرد.

شرایط کثرتی رهبری آن را لیبرالها برعهده دارند.

سند شماره ۵ تماماً پیرامون ملاقات آیت الله شریعتمداری نوشته شده است. در این سند نشان داده می شود که مقدم مراغهای یکی از مشاورین نزدیک آیت الله شریعتمداری است و در ارتباط با ایشان از طریق نوع برخوردی که نسبت به مسائل القاء می کند و همچنین در مورد مسائلی که طرح و القاء می کند می تواند توده های وسیعی از مردم را در خدمت منافع طبقه سرمایه داری ایران که مآل منافع امریکا است به حرکت درآورد.

مراغهای در این سند می نویسد:

"از من سؤال می کنند (یعنی آیت الله شریعتمداری از ایشان سؤال می کند) آیا نمایندگان مجلس خبرگان بهتر است استعفا دهند یا نه؟ من عنوان می کنم عدم مشارکت موضوعی را عوض نمی کند. در مورد خبرگان گفتند تنها آذربایجانی نیستند، بگذارید ببینیم دیگران چه می کنند. فارس و خراسان هم ناراضی هستند. آیت الله قمی هم سخت حمله کرده است."

مراغهای در سند شماره ۱۵ در گزارشی که برای مقام بالاتر خود ارسال داشته است می نویسد:

"شریعتمداری گفت که شاید دو ماه دیگر بهتر بتوان مطالب را گفت. موضوع مهم است که ایشان

بررسی های سیاسی اسناد عنوان گفتاری بود که در مینتینگ روز جمعه ۱۴ دی ماه توسط دومین سخنران ایژاد گردید. به جهت اهمیت سیاسی اسناد ارائه شده، فشرده ای از این گفتار را در این شماره درج می کنیم.

چنین نظر دارند:

بسیم چگونه طرح این مساله به این گونه در حقیقت از حای دیگری آت می خورد. بسیم که چگونه سیاست های امپریالیسم امریکا به اعنار منافع و علائق طبقاتی طبقه و قشر معینی که در جامعه وجود دارد به پیش راننده می شود و مورد پشتیبانی و حمایت قرار می گیرد.

سند شماره ۱۳ برده از این رار برمی دارد. در سند شماره ۱۳ چنین نوشته شده است:

"منزل انوری - رادنیاس - فتح الله بنی صدر، دادستان کل، صدر سید جوادی - امیرانتظام انوری - فولادی - عباس سمعی. عین مکالماتی که در سند ثبت شده است."

"صحبت بر سر این بود که آخوندها مسلطند. صدر گفت تنها چاره برای بازرگان آن است که مجلس خبرگان را منحل کند و به این ترتیب از خودش استقلال نشان دهد. به این ترتیب هم روحانیت سر جای خودش می نشیند و هم دیگر بازرگان اعتبار پیدا می کند و روشن فکران دور او را می گیرند. بعد از صحبت زیاد قرار شد امیر انتظام که فردا ساعت ۱۰/۵ با بازرگان قرار دارد در این باره با او مذاکره کند. روز جمعه هم سید جوادی با بازرگان صحبت کند و بعد از این که از نظریات او مطلع شدند، تصمیم بگیرند. قرار شد صبح یکشنبه من تلفن کنم و نتیجه را از امیر انتظام سؤال کنم. دکتر یزدی و وزیر علوم هم قرار بود بیایند که نیامدند."

می بینید که چگونه در محفلی که در سند شماره ۱۳ از آن یاد می شود در ارتباط با امیرانتظام سیاست معینی طرح می شود و این سیاست از آنجا که با منافع مصالح، علائق و تمایلات محافل لیبرال ایران که طبیعتاً بیانکر منافع طبقه سرمایه داری ایران می باشد سازگاری دارد به انکاء نیروهائی این چنین یعنی به اعتبار منافع طبقاتی گسروه اجتماعی معینی به پیش راننده می شود و از طریق کسانی که می توانند توده های وسیع مردم را جلب بکنند این سیاست ها با برخورداری از نیروی توده های مردم، توده های ناآگاه مردم و به اعتبار اعتمادی که آنها نسبت به این کسان دارند به پیش راننده شود.

در سند شماره ۱۲ جملاتی که به این صورت نوشته شده است:

"در ساعت ۱۲ یادداشتی در مجلس خبرگان به من رسید که در دفتر امیر انتظام او را ملاقات کنم. من به دفتر امیر انتظام رفتم. بعد از مدتی راجع به این که چه باید کرد گفت دو ساعت با بازرگان صحبت کردم. ما اگر نتوانیم در انتخابات آیننده لاقبل بازرگان را رئیس جمهور کنیم دیگر همه امیدها از دست می رود. در هر حال قرار شد

بقیه در صفحه ۷

گسیخته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و



بررسی اسناد نشان می دهد:

اهداف اجزاب و محافل بورژوازی لیبرال ...

بقیه از صفحه ۶

ساعت ۱۹ روز چهارشنبه در منزل انوری جمع شویم. یک نسخه از نامه هم که به عنوان نهضت رادیکال یکی هم به عنوان جمهوری خلق مسلمان بود به من داد. امیر انتظام گفت من در ایران می مانم تا این مسائل حل شود.

در این سند آنچه که پیداست این است که طرح کودتای آنها در مورد مجلس خیزگان در حقیقت نتوانست به انجام رسد و در این رابطه آنها به طرح سیاست دیگری می بردند.

ملاحظه می کنیم که چگونه اینان از طریق احزاب وابسته به خود که به منظور جلب توده های مردم و استفاده از نیروی آنها برای پیشبرد مسائل و سیاست های خود سازمان داده شده است برنامه های سیاسی معینی را طرح ریزی می کنند و پیش می برند. در سند شماره ۳ که در ارتباط با این جملات بیان شده است که: "این مسئله مطرح است که چطور می شود که روشنفکران را علاقمند به همکاری کرد. چون مثلا روشنفکران صد در صد مخالف هستند و کشور را ترک می کنند."

آنچه که از این سند می آید این است که محافل و احزاب مربوط به سرمایه داران لیبرال علاوه بر تاکتیکهای که از آن یاد کردیم، از تمامی امکاناتی که به نحوی بتوانند مورد استفاده شان قرار گیرد، به نحوی بتوانند خدمت پیشبرد سیاست های آنها به کار آید، بشکلی در محاسبات آنها داخل می شود و مورد بهره برداری شان قرار می گیرد.

برای این که مساله را دقیق تر درک کنیم، اجازه بدهید از سند دیگری صحبت کنیم. در سند شماره ۳ مراغه ای در پایان گزارشی که از صحبت خود با توم تهیه کرده از ملاقات خود با فرید چنین نقل می کند:

"ساعت ۸/۳۰ فرید - خلیلی - نیروهای که برکنار مانده و مشارکت آنها برای ساختن ایرانی بر اساس خواست عمومی ضرورت دارد امروز در حال اتحاد هستند. اینها باید از راه اتحاد در انقلاب را باز نگهدارند. این مقصود ضرورت و فوریت دارد."

خلیلی که من با او دیروز در حزب جمهوری خلق مسلمان ایران آشنا شدم و فرید را آورده بود گفت گروه های بسیاری با هم جمع شدند و شاید در همین هفته اعلامیه مشترک خود را صادر کنند. او گروه هایی را که نام برد عبارت بود از فدائیان، جنبش کارگری سوسیالیست، جنبش دمکراتیک و بسیاری گروه دیگر. در سید ذکر شده است "قرار شد بعدا تبادل نظر شود."

برای این که از عمق مساله برده برداشته شود اجازه دهیم از رویدادهای سیاسی که چند ماه پیش جریان داشته و به آن مسئله ارتباط پیدا می کند سخن بگویم.

زمانی که تهاجم به کردستان شروع شد محافل و سازمان های معینی طرحی را پیشنهاد کردند بر اساس این طرح به منظور مقابله با جناح های ضد دمکراتیک حاکمیت عنوان شد که گروه ها و محافل اپوزیسیون ایران می توانند گروه هم آیند و در حقیقت اتحاد موقتی را سازمان دهند. سازمان ما بر اساس تحلیل مسائل مشخصی که از اوضاع و احوال جامعه داشت و بر اساس شناختی که از تحولات محافل و احزاب وابسته به لیبرال در دست داشت در این طرح رگه هایی از تحولات و اهداف بورژوازی لیبرال ایران را اجناس کرد. از این رو در مقابله با این طرح با دقت عمل بیشتری برخورد کرد. آنها با تکیه روی چیزی تحت عنوان خطر فاشیسم کوشش می کردند نیروهای چپ را معتقد سازند که باید با احزاب بورژوازی لیبرال علیه فاشیسم متحد شوند. بررسی های بعدی در چند ماه پیش علیرغم این که هیچگونه سند و مدرکی همانند اسنادی که امروز در پیشگاه خلق ایران افشاء می شود در دست

ایران و بورژوازی لیبرال ایران قرار گیرد. برای این که به نحو دقیق تری توضیح دهیم که چگونه سرمایه داران لیبرال ایران که در آستانه قیام و پس از قیام به قدرت خزیدند و هم امروز نیز در بسیاری از مراکز قدرت جای دارند در جهت خلاف منافع مردم ما گام برمی دارند، نشان دهیم که چگونه بورژوازی لیبرال ایران و سیاستمداران و سخنگویان وابسته به سرمایه داران لیبرال در جهت منافع امپریالیسم آمریکا گام برمی دارند و منافع آنان به اعتبار موقعیت طبقاتی و اجتماعی شان با منافع و مصالح امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پیوندی جدائی ناپذیر دارد. بررسی اسناد را ادامه می دهیم.

در سند شماره ۱۱ چنین نوشته شده است. توم امریکائی به مراغه ای چنین می گوید: "عین جملات سند - در مورد بختیار از تهران به واشنگتن گزارش کردیم که اگر سفارت آمریکا در پاریس یا هر

موضع سازمان در رابطه با توطئه تبریز که محافل و احزاب وابسته به سرمایه داران لیبرال ایران کوشش کردند از ناراضی های مردم تبریز و انرژی انقلابی توده های مردم تبریز بهره گیرند، کوشش این مسئله را افشا کند و مانع از این شود که انرژی انقلابی توده های قهرمان تبریز در جهت منافع و مصالح طبقه سرمایه دار ایران و بورژوازی لیبرال ایران قرار گیرد."

کجای دیگر بخواهد با بختیار تماس داشته باشد مختار است او می تواند حرف های مخالفین را بشنود."

اولین نکته ای که از این جملات ثبت شده در سند به روشنی پیداست این است که چگونه بختیار در ارتباط با سرمایه داران لیبرال در داخل نقش سازماندهی را بر عهده دارد. خاطر نشان می کنیم که طبق اطلاعاتی که در دست است چندی پیش بختیار با سرداران و فتوادل های سیستان و بلوچستان در عمان جلسهای داشته است و در این جلسه طرح سازماندهی فتوادل ها و نیروهای مرتجع سیستان و بلوچستان به تصویب رسید که نیروها در سیستان و بلوچستان سازمان داده شوند تا بر علیه دهقانان زحمتکش بلوچستان به نیروهای انقلابی و ترقی خواهی که در منطقه فعال هستند به مقابله برخیزند.

همچنین طبق اطلاعاتی که در دست است، فتوادل ها و خانهای منطقه فارس توسط محافل وابسته به بورژوازی لیبرال همچنین هم پیمان های آنان در ارتش مسلح و سازمان داده شدند تا بر علیه مبارزات دهقانان زحمتکش منطقه به مقابله برخیزند که آنچنان که در مطبوعات کشور انعکاس یافت درگیری هایی در این منطقه صورت گرفت که این درگیری ها هنوز نیز ادامه دارد. قابل تاکید است که در هر دو موردی که از آن سخن گفتیم باید

چمران، بازرگان و شرکا دخالت موثر و عمده داشتند و عامل موثری در تسلیح فتوادل های منطقه بودند و سیاست تسلیح نیروهای ارتجاعی منطقه را همچنانکه در مورد کردستان شاهد بودیم، به پیش راندند و به این ترتیب می بینیم که چگونه سیاست های آنان دقیقاً در جهت سرکوب مبارزات خلق های میهن ما به پیش رانده می شود. سیاست امپریالیستی سرمایه داران لیبرال برای تامین منافع امپریالیسم آمریکا و تحکیم سلطه امپریالیسم در ایران در عین حال متوجه سازماندهی نیروهای ارتجاعی در ارتش نیز هست.

از جمله در سند شماره ۳ در اشاره به این مطلب چنین نوشته شده است: "توم امریکائی از مراغه ای می پرسد:

"وضع ارتش چیست؟ آیا در ارتش کسانی هستند که با نظریات مذهبی ملایم تر مثل شریعتمداری موافق باشند؟" در همین سند شماره ۳ آنچنان که دیدیم فرید از تیمساران بقدرت رسیده زمان رژیم پهلوی نیز نام برده شده است. اگر دقت کنیم که چگونه راندنیا و خلیلی که از سردمداران حزب جمهوری خلق مسلمان به حساب می آیند آن وقت می توانیم این رابطه را به درستی درک کنیم که چگونه محافل و احزاب وابسته به سرمایه داران لیبرال ایران در درون ارتش به سازماندهی این محافل می پردازند و کوشش می کنند از امکاناتی که در درون ارتش وجود دارد در جهت تحقق برنامه ها و سیاست های خود از این امکانات و نیروها بهره گیری کنند. شاید جالب خواهد بود اگر از سند شماره ۷ نیز سخن به میان آورد. در آنجا که امپریالیست ها از مراغه ای راجع به وضع نریه می پرسند جمله ای که در سند ثبت شده

ما کوشش خواهیم کرد در آینده نیز هر سندی را که منتشر آن به سود جنبش خلق باشد و توده مردم را از حقایق امر آگاه کند، منتشر کرده و در پیشگاه خلق های قهرمان خود به داوری خواهیم گذارد.

است این است: "وضع نریه چه می شود؟" پانزدهم در همین سند چنین نوشته می شود: "چمران را شاید شورای انقلاب قبول نکرده است این که بحث درباره وزراء شده است ممکن است ناشی از اختلاف اعضای شورای انقلاب، چمران باشد. داخل پراتنر به تاریخ ۵۸/۷/۱۱ چنین نوشته است. چیزی که خلاف این وضع ثابت شد."

آنچه که از این قسمت اسناد برمی آید، این است که چگونه امپریالیسم آمریکا سیاست های خود را در رابطه با عواملی که در

قدرت سهیم و صاحب مقام هستند به پیش می برد. برای توضیح این مسئله به سند دیگری اشاره می کنیم.

در سند شماره ۱۸ زیر عنوان شماره ۶ چنین نوشته شده است: "در مورد کردستان سه نفر وزیر در مذاکرات هیئت دولت شرکت داشتند. چمران طرفدار خشونت بود که گفته است به آنها درسی باید داد تا بدانند قدرت چیست. بازرگان از او حمایت کرده است."

در سند شماره ۴ که در ارتباط با یابولی خبرنگار تنظیم شده است مراغه ای چنین نوشته است:

"دو روز قبل از ۲۸ مرداد خلخال می رود کردستان ولسی ۴۸ ساعت از او خبری نمی شود. بعد می بینیم گزارش دروغین از سندج می رسد ولی معلوم می شود سندج آرام است"

در ادامه همین سند می خوانیم "آنها که به ظاهر برای سندج بسیج شده بودند در سفر وارد عمل می شوند و بعد از جریانات سقر مساله مهیاد به آن صورت طرح می شود. اینها نقش همین گروه ۵ نفری چمران، یزدی، قطب زاده، طباطبائی، صباغیان است. عامل تحریک و ارسال گزارش غلط تیمسار فلاحی بود که عامل اجرای مقصود گروه ۵ نفری است."

لازم است تاکید کنیم که یکبار دیگر تاریخ درس خود را به آنها ای که قادر نیستند درس های تاریخ را بیاموزند، چگونه داده است. دیدیم که چگونه جنگ ناخواسته ای که چمران هر بار داشته بودند، مغلوب نبرد حق طلبانه خلق کرد شد و تاریخ یکبار دیگر نشان داد که قدرت از آن کسانی است که در جبهه خلق قرار دارند. تاریخ یک بار دیگر نشان داد و اثبات کرد که قدرت از آن توده ها است.

بررسی همه جانبه این اسناد احتیاج به زمان بیشتری دارد و ما در این فرصت کم بخش هایی از این اسناد را بررسی کردیم. سازمان ما با انتشار اسناد آن را در اختیار همه نیروهای ضدامپریالیست و ترقی خواه می گذارد تا با بررسی همه جانبه این اسناد سیاست و شرکدها و تحلیل های امپریالیسم آمریکا و چهره واقعی دوستان و جاسوسان وی را به مردم باز شناسند.

ما این اسناد را از آن رو در پیشگاه خلق ارائه دادیم زیرا خلق های قهرمان میهنمان را بزرگترین و عادل ترین داورها می شناسیم. ما کوشش خواهیم کرد در آینده نیز هر سندی را که انتشار آن به سود جنبش خلق باشد و توده مردم را از حقایق امر آگاه کند، منتشر کرده و در پیشگاه خلق های قهرمان خود به داوری خواهیم گذارد.

نابود باد جبهه سرمایه داران لیبرال پرتوان تر باد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق های ما

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

مبارزه طبقاتی را باور کنیم

سرمایه‌داران لیبرال پس از قیام به قدرت می‌خزند ، ماه‌ها می‌کوشند سیل خروشان توده‌های زحمتکش میهن را مهار کنند ، شوراها را کارگران ، دهقانان و نظامیان را تلاشی سازند ، مردم را از دخالت در امور بازدارند و از لاله‌های خون شهیدان خلق ستوده ما ، بی‌سرای جنایتکاران و جاسوسان امریکائی دسته‌های گل بسنه پابوس برند و در ازای سهمی از استثمار و غارت خلق‌های ایران ، ثمرات خون دهها هزار شهید خلق را به پای امریالیسم امریکا بریزند .

اما خلق قهرمان ما که پنجه در پنجه بزرگترین غول تاریخ و نوکران داخلی آن انداخته است ، از مبارزه دست‌بردار نیست . سدی که امریالیسم امریکائی و سرمایه‌داران لیبرال پس از قیام با آن همه مهارت ، دقت و سرعت در برابر سیل جنبش توده‌های بنا کرده بودند با ضربات پیپایی و نیرومند خلق‌های قهرمان ایران ، ترک می‌خورد و با تسخیر مرکز جاسوسی امریکا فرو می‌ریزد و سیل خروشان جنبش توده‌های در دشت‌های بیکران ایران جاری می‌شود تا لاله‌های خون شهیدان را آبیاری کند و باور سازد .

بسیج احزاب و محافل لیبرال

به محض سقوط بازرگان و مهار نسبی قدرت طلبی سرمایه‌داران لیبرال دزون حاکمیت که نتیجه اوجگیری مبارزات توده‌ها است ، احزاب و محافل سراسیمه و خشمگین سرمایه‌داران لیبرال که برای تحکیم سلطه خود و طرد کامل خرده بورژوازی از قدرت نقشه‌ها کشیده بودند ، بسیج می‌شوند .

حزب جمهوری خلق مسلمان که ماهیست با بهره‌برداری از گرایشات ضد دمکراتیک حاکمیت خود را دلسوز توده‌ها و آزادیخواه جا زده است می‌کوشد از قدرت توده‌ها علیه توده‌ها بهره‌برداری کند و زیر پوشش آزادیخواهی مردم را به دنبال خود کشانده و مبارزات ضد امریالیستی و دمکراتیک خلق را علیه امریالیسم امریکا منحرف سازد . امریالیسم امریکا ضمن پشتیبانی کامل از احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال ، خلق ایران را به تهاجم نظامی و تحریم اقتصادی تهدید می‌کند ، محافل وابسته و جنایتکاران درون ارتش ، آشکار و پنهان به حمایت از لیبرال‌ها برمی‌خیزند ، فتوادل‌ها و خوانین مرتجع در عمان با بختیار به مشاوره می‌نشینند و متعاقب آن فتوادل‌هایی که از ماهها پیش توسط باند چمران و حمایت فعال بازرگان و شرکا مسلح شده‌اند در سیستان و بلوچستان ، فارس و سایر نقاط ایران به جنگ دهقانان زحمتکش ما می‌آیند . بازرگان و شرکا علیه افشاکری‌های " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام " اعلام جرم می‌کنند ، عناصر لیبرال درون مطبوعات و رادیو-تلویزیون به حمایت از بازرگان و شرکا برمی‌خیزند و شورای انقلاب فرصت را غنیمت شمرده و برای کنترل دانشجویان بسیج می‌شود و در این گیرودار امریالیسم امریکا و مطبوعات غربی می‌کوشند با تحریف حقایق افغانستان ، مبارزات ضد امریالیستی و دمکراتیک میهن ما را کند کنند و شورای انقلاب نیز تحریف حوادث اخیر افغانستان را به عنوان وسیله‌ای برای به انحراف کشاندن مبارزات ضد امریالیستی مردم میهن ما به کار می‌گیرد و بدینوسیله می‌کوشد امریالیسم امریکا و سرمایه‌داران لیبرال را از زیر ضربات توده‌ها نجات دهد .

این حوادث را فقط کسانی جدا از هم می‌بینند که چشم‌انداز را بر مبارزه عمیق طبقاتی که آشکارا در تمام عرصه‌ها در میهن ما در جریان است ، بسته اند ، پیوند طبقاتی این حوادث را کسانی درک نمی‌کنند که مبارزه طبقاتی را باور ندارند و هر پدیده و هر حادثه را جدا از سایر پدیده‌ها بررسی می‌کنند .

اسناد ارائه شده به وضوح نشان می‌دهند که چگونه امریالیسم امریکا و سرمایه‌داران و روشنفکران لیبرال دست در دست هم شبکه‌هایی برای سرکوب و شکست مبارزات خلق‌های ایران ایجاد کرده‌اند . این اسناد نشان می‌دهند که چگونه مقدم مراغه‌ای ، رهبر نهضت رادیکال از یک سو جاسوسان امریالیسم امریکا را با جناح روحانیون طرفدار سرمایه‌داری وابسته و حزب جمهوری خلق مسلمان یعنی لیبرال‌های اپوزیسیون در ارتباط قرار می‌دهد و از سوی دیگر با بازرگان و شرکا یعنی لیبرال‌های حاکم ارتباط برقرار می‌کند و قطعاً این سک نمونه از صدها نمونه است .

مهمتر از همه این اسناد نشان می‌دهند که چگونه امریالیسم امریکا به روشنفکران لیبرال امیدوار است و برای سازماندهی آنها تلاش می‌کند و چگونه درصدد است از حیثیت و اعتبار هر نیروی انقلابی و مبارز و از ناراضی‌های ربه گسترش توده‌ها و تمایلات محافل درون ارتش به سود تقویت موقعیت سرمایه‌داران لیبرال و طرد خرده‌بورژوازی از حاکمیت و در نهایت به سود تحکیم سلطه خویش بهره‌برداری کند .

این اسناد نشان می‌دهند که برای سرمایه‌داران لیبرال و سخنگویان سیاسی آنان ، بازرگان و شرکا و امثال آنها ، ریش و تسبیح و سجاده وسیله‌ای برای فریب خلق و برای خدمت به امریالیسم امریکا است .

اما راستی آیا برای شناخت محافل و احزاب و عناصر سرمایه‌داران لیبرال حتماً ، اسناد و مدارک لازم است ؟ آیا چهره واقعی محافل سرمایه‌داران لیبرال را تنها اسناد رابطه دوستانه و یا جاسوسی آنها برای امریالیسم امریکا بر ما عریان می‌کند ؟ بدون تردید پاسخ این پرسش ها منفی است .

لازم نیست برای کشف رابطه این محافل با امریالیسم امریکا در انتظار اسناد و مدارک بنشینیم . بلکه باید بدانیم که چنین روابطی برای همه محافل سرمایه‌داران لیبرال از ضروریات است . سرمایه‌داری وابسته برای حفظ منافع خود ، از ارتکاب هیچ جنایتی علیه خلق منکر فروگذار نمی‌کند و جاسوسی علیه خلق ایران تنها یک گوشه‌ای از اقدامات جنایتکارانه سرمایه‌داران لیبرال را برملا می‌کند .

اینک ، امریالیسم از یکی از مهمترین پایگاه‌های خود یعنی سرمایه‌داران لیبرال و فتوادل‌های متحد آن به صفوف مبارز خلق ما اینچنین حمله برده‌اند ، در این بیچاره مرگ و زندگی طبقه کارگر قهرمان ایران و دهقانان و خرده‌بورژوازی ضد امریالیست شهری با همه سازمان‌های مبارز و انقلابی خلق باید علیه امریالیسم و سرمایه‌داران لیبرال صفوف خود را هر چه فشرده‌تر سازند .

ما باید عمیقاً ماهیت تلاش لیبرال‌ها را در نزدیکی شدن به نیروهای اصلاحی و معنی و محتوای تلاش آنها را در کسب رهبری نیروهای که از گرایش‌های ضد دمکراتیک حاکمیت ، ناراضی و سرخورده می‌شوند ، درک کنیم .

ما موظفیم معنای واقعی آزادیخواهی دروغین لیبرال‌ها را دریابیم و برای توده‌های مردم توضیح دهیم .

وقتی محافل و احزاب لیبرال سر مست از اشتباهات و گرایش‌های ضد دمکراتیک حاکمیت ، به میان مردم می‌روند دم از آزادی و دمکراسی می‌زنند و ماهیست ارتجاعی خود را زیر پوشش مخالفت با اقدامات ضد دمکراتیک روحانیت می‌پوشانند ، وقتی سرمایه‌داران لیبرال سنگ مردم را به سینه می‌زنند و خوک‌ها را پهلوان مبارزه در راه آزادی و دمکراسی جا می‌زنند و می‌کوشند با فریب توده‌ها به حاکمیت برسند و یا مواضع خود را در حاکمیت تقویت کنند ، ما موظفیم به مردم توضیح دهیم که ماهیت طبقاتی این خدمتگزاران و این شرکای امریالیسم امریکا ذره‌ای با ماهیت طبقاتی بختیار جنایتکار فرق ندارد . همه اینها از منافع طبقاتی طبقه سرمایه‌دار ایران که تاروپودش با امریالیسم گره خورده است ، دفاع می‌کنند . ما موظفیم به توده‌ها بگوئیم که این صدای امریالیسم امریکاست که از زبان شرکای لیبرال آنها به گوش می‌رسد . ما موظفیم نگذاریم لیبرال‌ها این دوستان و جاسوسان امریالیسم امریکائی خود را دوست مردم جا بزنند و توده‌ها را فریب دهند .

ما باید به توده‌ها بگوئیم و هزاران بار تکرار کنیم که سرمایه‌داران لیبرال از آنجا که تلاش دارند به هر قیمتی شده ، سلطه سرمایه‌داری وابسته به امریالیسم را از نو تحکیم بخشند ، دشمن آشتی ناپذیر توده‌ها هستند ، در برابر حرکت تکاملی خلق ما فرار دارند و ارجحاً مطلقند .

ما کمونیست‌ها ، جریانات ، سروها و شخصیت‌ها را به براساس تمایلات ذهنی آنها و نه بر اساس گفتار و نیت آنها ، بلکه در عین حال و قبل از هر چیز بر اساس اعمال و کردارشان که ماهیت طبقاتی آنها را توضیح می‌دهد تا سگ‌های تاریخی سبب به آنها مورد قضاوت فراری می‌دهیم . لیبرال‌ها مدعی می‌شوند که طرفدار آزادی هستند ، اما این آزادی آنها یعنی اسارت و سدی بوده‌ها ، یعنی آزادی امریالیسم امریکا و شرکای داخلی آن و هر کس که بخواهد به سهام مبارزه با

گرایشات ضد دمکراتیک حاکمیت ، با لیبرال‌ها همکاری کند و یا مبارزه با آنها را دست کم بگیرد ، با دشمنان خلق همگامی کرده است .

بورژوازی لیبرال می‌خواهد از نابودی سلطه امریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن جلوگیری کند ، حرکت لیبرال‌ها در جریان مبارزه ضد امریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران حرکتی ضد انقلابی و ضد تکاملی است و از همین رو است که احزاب و محافل وابسته به سرمایه‌داران لیبرال برخلاف جریان‌های سیاسی وابسته به خرده‌بورژوازی ، مطلقاً منجمد ، چنین است ، ملاک ما در ارزیابی نیروهای که هم اینک در عرصه نبرد طبقاتی میهن ما حضور دارند .

آنان که تحت عنوان مبارزه با خطر فاشیسم که از نظر ما توهمی بیش نیست ، مبارزه با گرایش‌های ضد دمکراتیک روحانیت را وظیفه عمده خود می‌شمارند ، عملاً دست در دست ارتجاع محض یعنی سرمایه‌داران لیبرال ، فتوادل‌ها و مزدوران امریالیسم امریکا می‌گذارند . این تفکر که خرده‌بورژوازی ، این متحد طبیعی طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک را مطلقاً مرتجع می‌خواند ، اما ارتجاع سرمایه‌داران لیبرال یعنی بزرگترین مانع کنونی تکامل جامعه ما را دست کم می‌گیرد و یا اصلاً نمی‌بیند ، در عرصه مبارزات طبقاتی جانب ارتجاع را می‌گیرد . این تفکر تا کنون هر جا که از فوه به فعل درآمده ، به سهم خود بدترین ضربات را به جنبش دمکراتیک و به ویژه جنبش کمونیستی ایران وارد آورده است .

امروز رهبری خرده بورژوازی تحت تاثیر فشار توده‌های مبارزی که پایگاه طبقاتی او را تشکیل می‌دهند در برابر سیاست کام‌به‌کام لیبرال‌ها که خواست امریالیسم امریکا است به مخالفت برخاسته است و مادام که مبارزه علیه امریالیسم امریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن ادامه نهد ، ما او را مبارز و ضد امریالیست می‌شناسیم .

ما هر گونه قضاوت نادرست را از نیروهای درون خلق سخت به زبان جنبش می‌دانیم . ما کوشش در جهت تحکیم صفوف نیروهای ضد امریالیسم را از وظایف انقلابیون کمونیست می‌دانیم و به سهم خود ، همچو گذشته در راه همبستگی و تقویت آن خواهیم کوشید .

در اینجا ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که :

علیرغم سیاستی که در دو ماهه اخیر پس از اشغال مرکز جاسوسی امریکا در پیش گرفته شده بود ، اکنون یکبار دیگر شاهد رشد گرایش‌های سرکوبگرانه و ضد دمکراتیک در زمینه‌های مختلف هستیم . جناح‌ها و مشخصی از جریان‌های مذهبی ، سیاسی از یک سو و جناحی از روحانیت از جمله آیت‌الله شریعتی و قس که در فرهنگ رژیم گذشته " علمای معقول و میانه رو نامیده می‌شوند از سوی دیگر و با پشتیبانی جاسوسان و عوامل سه‌جبهانی پنتاگون می‌کوشند تحت پوشش دفاع از اسلام مبارزه ضد امریالیستی - دمکراتیک خلق ما را که مردم شکوفائی تازه‌ای می‌یابد از مسیر خود منحرف ساخته و آن را به پشتیبانی از توطئه‌ها و دسیسه‌های سران عشایر و فتوادل‌های افغانستان و عوامل محمدظاهر شاه مخلوع بکشانند .

این سیاست مشخصاً همدستی با امریکا و تقویت ارتجاع است . خلق ما هرگز به پشتیبانی از فتوادل‌ها و سران مرتجع ایلات افغانستان بر نخواهد خواست .

از سوی دیگر توطئه‌های شومی در شرف تکوین است که در کردستان نگذارند مذاکرات با هیات نمایندگی خلق کرد ادامه یابد . بی‌سبب نیست که همان دست‌هایی که به پشتیبانی از فتوادل‌ها و خوانین افغان برخاسته‌اند در کردستان با مسلح کردن خوانین و فتوادل‌ها و بسا دامن زدن به شنج و درگیری و با آشفته کردن اوضاع می‌کوشند توجه توده‌ها را از مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته ، از مبارزه با امریالیسم امریکا این دشمن اصلی خلق‌های جهان منحرف ساخته به مبارزه با خلق کرد ، به مبارزه با خلق افغان ، به مبارزه با انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای انقلابی معطوف دارد . مجریان این سیاست همان کسانی هستند که در مرداد ماه جنگ را به خلق کرد تحمیل ، مطبوعات را تعطیل و آزادی‌های سیاسی را به بند کشیدند . اکنون با نشانه‌هایی که در دست است مشخصاً این جریان‌ها به تهاجم تازه‌ای علیه نیروهای ترقیخواه در ایران و در سراسر منطقه دست زده‌اند و در روزهای آتی با توطئه‌ها و دسیسه‌های دیگری از جانب همین نیروها مواجه خواهیم بود .

وظیفه همه سروهای انقلابی است که فرصت ندهند جهت مبارزات خلق‌های ایران که اکنون علیه دشمن مشترک همه مردم زحمتکش ایران و جهان یعنی امریالیسم امریکا متوجه است از مسیر خود منحرف و در خدمت اهداف امریالیسم امریکا در ایران ، در افغانستان و دیگر کشورهای جهان درآید .

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال



یاد رفیق کاظم شهیدی ثالث

کارگر رزمنده ریمینکو گرامی باد

نخستین سخنرانی او در ستاد همیشه به یاد ما خواهد ماند. عصر پنجشنبه بود. سالن از کارگران پر بود و همه محوطه وسیع ستاد از جمعیت مالا مال کسی سخنرانی کرد. از دردهای خودش گفت و از رنج کارگران همه متاثر بودند. جمعیت در سکوت فرو رفته بود. مردی من



رفیق کاظم شهیدی ثالث

با قامتی درشت و گام هائیکو استوار، سکوت را در هم شکست و پشت میکروفون قرار گرفت. آرم پر افتخار سازمان بالای سر او افراشته بود. سنگین برگشت و نگاهی به آرم کرد و سپس رو به جمعیت فریاد کشید: "میدونید چرا رنگ آرم سرخه؟ میدونید بالا بردن آرم و چکش تو رژیم شاه یعنی چه؟ سرخی رنگ آرم از خوه، خون شهید قهرمان، آرم چکش ما را تو دورهای بالا بردن، که ما هنوز خواب بودیم. حالا بلند بشیم خودمون نگهش داریم، تو و من بلندش کنیم، مطمئن باشیم، مطمئن مطمئن".
مبارزای رفقای شهید، خود را می دیدیم که در سخنان رفیق خنده بر لب پا به سالن می گذارند و کنار کارگران می نشینند و با چشمی امیدوار نشان پر افتخار سازمان را می نگرند. ما رفقای کارگر را می دیدیم که به آرم می نگرند و غرق در طنین سخنان رفیق شهیدی، اندیشه رزمگاههای بس عظیم تری را می پروراندند. همه رفقای که در سالن بودند متحدا

روزهای پس از قیام بود. روزهای شورانگیز و سرشار از امید. روزهای روشن، معطر و حماسی. روزهایی که انقلابیون سرافراز و سرشار از امید و اراده در تدارک تداوم بیکار بودند. آبادان پر غرور و پر تاب در تب انقلاب می سوخت. ستاد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در قلب آبادان کانون جوشش بود. کارگران افتخار آفرین آبادان، به مدار ظاهرها، هنگامی که از کار برمی گشتند راهی ستاد خودشان می شدند تا با فریادهای طنین افکن فرمان "جنبش به پیش" را از سالن ستاد به گوش همه رزمندگان برسانند. شیوخ مرتجع، ساواکی های پنهان شده، عوامل سیا، مرتجعین جانمناز آب کشیده، به قدرت خریدگان و قدرت یافتگان ناسزاوار و سلحانه و بی اسلحه، پنهان و آشکار، فردی و جمعی به تهدید و ارعاب مشغول بودند تا قلب انقلابی آبادان را در هم

شزند. عصرها صدها و هزاران کارگر رزمنده در سالن ستاد جمع می شدند و در کلاف دسیسه های سازشکاران راه مبارزه را باز می نمودند. تربیون ستاد رزمگاه کارگران و انقلابیون بود که نه با دشمن سرسازش داشت و نه با سازشکاران سرآشفتی. آنان بر سازش و سازشکار، بر سرمایه و تسلیم طلبان، بر مجیز و مجیز گویان پلشویک وار می ناخفتند و خشم کارگری را نثار همه آتانی می کردند که از ترس دشمن به خود می لرزیدند و در خدمت دشمن هنوز پا به جا، می کوشیدند تا انقلاب و انقلابیون قربانی کنند.
در این روزها کارگران آبادان قهرمانی ها کردند و ستاد میدان قهرمانی های بسیاری بود و در این میان قهرمانانی بودند که به زودی در میدان مبارزه چیره شدند. و چهره هایشان در زرفنای دنیای آرمانی کارگران جاودانه شد.
رفیق کاظم شهیدی ثالث، کارگر ریمینکو چنین رزمنده ای بود.

کارگران کارخانه مینو خواستار ایجاد شورای واقعی و ملی کردن کارخانه هستند

روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح کارگران قسمت لوازم آرایشی و داروسازی کارخانه مینو واقع در جاده کرج ذست از کار کشیدند. این کارگران در محوطه کارخانه با شعارهای کارگر پیروز است، سرمایه دار نابود است، کارخانه های ایران ملی باید گردد، هام می گرگ بیر اولسون، امریکا نابود اولسون (همه باید یکی شوند - آمریکا باید نابود شود) و غیره... به تظاهرات پرشوری دست زدند. کارگران دیگر قسمت های کارخانه با شنیدن صدای شعارها به محوطه کارخانه ریختند و یکصد و یکپارچه تمامی کارگران کارخانه با تکرار شعارها پشت در اطاق شورا اجتماع کردند و خواستار تشکیل شورای واقعی شدند. عده ای از مزدوران کارفرما سعی کردند در سین کارگران تفرقه اندازی کنند

به مبارزه اندیشیدند و از پیروزی آینده سرشار شدند. رفیق "کاظم شهیدی" پیش از نی سال برای سرمایه کار کرد و با سرمایه جنگید. او عضو سازمان جوانان حزب توده بود. کودتای ۲۸ مرداد را دید. فرار رهبران را هم دید. در همین دیار آتش و خون ماند و با سرمایه و سرنیزه جنگید. او پاسدار امید کمونیستی بود و هرگز سنگر را ترک نکرد. هم از آغاز شروع مبارزه مسلحانه او با معیاری بسیار ساده فدائیان را برگزید. "آنها که برای تأمین رهبری کارگران می میرن حتما خود را قادر خواهند ساخت که شایسته وفاداری به آرمان طبقه کارگر باشند. دارودسته حزب برای حفظ خود و منافعشان ما را ول کردند".
او تا شروع جنبش بطور مخفی و از آن پس بطور آشکار به آماده کردن سازمان دادن و هدایت کردن کارگران در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری پرداخت. پس از قیام در ستاد با سازمان شروع به کار کرد و در کمیته کارگری ستاد به فعالیت مشغول شد. پس از تعطیل ستاد رفیق در ارتباط با تشکیلات به مشکل کردن کارگران و تلاش در جهت ایجاد شورا و سندیکا پرداخت. او تا لحظه شهادت یک دم از ناآشناسی و بیگ آن از تعهد خود کوتاهی نکرد. همیشه و همجا منتظر بود تا تحت رهبری سازمان خود وظیفه انقلابی را به پیش برد. تا اینکه رفیق شهیدی در نتیجه سکتی فیزی حین زانندگی در گذشت. رفیق شهیدی از میان ما رفت اما تلاش های او به میراث برای کارگران مانده است. ما صدای زسای او را هنوز از پشت تربیون ستاد می شنویم که می گوید:

کارگران کارخانه کچ ساران واقع در ایوانکی گرمسار با اتحاد و مبارزه پیگیر خود کارفرما را به عقب نشینی واداشتند

کارگران کارخانه "کچ ساران" واقع در ایوانکی گرمسار با اتحاد و مبارزه پیگیر خود کارفرما را به عقب نشینی واداشتند. کارگران این کارخانه که از مدت ها پیش برای ایجاد شورا مبارزه کرده اند همواره با توطئه جنبی کارفرما مواجه اند. اخیرا انتخابات محدودی انجام شد و ۵ نفر به عنوان نماینده مجمع عمومی را تشکیل دادند و طی صورتجلسه ای خواست کارگران به شرح زیر اعلام گردید:

- ۱- پرداخت سود ویژه
- ۲- افزایش حق مسکن از ۱۵۰۰۰ ریال به ۵۰۰۰۰ ریال و حقوق خواروار از ۸۰۰۰ ریال به ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۳- با توجه به افزایش شدید هزینه ها و نیاز مبرم کارگران شورای کارگران خواستار شد مبلغ ۵۰۰ هزار تومان اعتبار جهت پرداخت وام های ضروری از جانب کارخانه تأمین شود و سپس به شکل منصفانه ای از حقوق کارگران کسر شود. این مبلغ بایستی همیشه به عنوان اعتبار وام ضروری تجدید شود.

در مجمع نمایندگان قانون شورای شرق تهران کارگران می پرسند: چه کسانی قانون کار را تدوین می کنند؟

در تاریخ ۱۸ آذر ماه جلسه قانون با شرکت ۵۰ نفر از نمایندگان شورا، سندیکا و کارگران منطقه تشکیل شد. در این جلسه نماینده وزارت کار حاضر بود. کارگران از این نماینده می پرسند: ما شنیده ایم که دارد قانون کار تدوین می کنند. آیا کارگران هم در نوشتن قانون کار سهمی دارد یا نه؟ و اگر هستند چه کسانی آنها را انتخاب کرده اند؟ نماینده وزارت کار جواب می دهد:

"بلی حتما از نظریات کارگران استفاده خواهد شد. به همین منظور شماره تلفنی در وزارت کار هست که می توانید تلفن کنید و نظریات خود را بگوئید. کارگری پاسخ می دهد: "ما می خواهیم خودمان قانون کار را تدوین کنیم نه فقط نظر بدهیم".
نماینده می گوید: "در این مورد من اطلاعی ندارم".

پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی برقراری شوراها قطع سلطه امریکا در پایان در دانشکده علوم قطنامه کارگران قرائت شد که در آن کارگران خواستار ادامه افشاکری های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" محاکمه علمی حاسوسان امریکائی و مزدوران وابسته آنها نظیر امیر انظام شدند.

در تهران، حورستان و دیگر مراکز کارگری ایران نیز هم زمان با این تظاهرات راهپیمائی هائی صورت گرفت. اتحادیه سراسری تورهائی سازمان گسترش و وساری ضایع کشور از کارگران سراسر ایران دعوت به راهپیمائی کرده بود.

راهپیمائی ضد امپریالیستی کارگران کارخانه های اراک

به سال دعوت اتحادیه سراسری تورهائی سازمان گسترش و وساری ضایع کشور در روز چهارشنبه ۵ دی ماه ۵۸ کارگران اراک اولین راهپیمائی مستقل و موفق خود را سرعلیقه امیرالیمم برگزار نمودند. در این راهپیمائی که اکثر کارگران بیش از ۱۵ شرکت و کارخانه که اغلب آنها وابسته سازمان گسترش می باشد شرکت کردند.

راهپیمائی از شهر صنعتی اراک شد و در دانشکده علوم عسکری راده پایان یافت. کارگران فریاد می زدند: نه سازش نه تسلیم نبردیم آمریکا - امریکا تو خالی ست و پیتام گواهیست صنایع وابسته ملی نباید گردد، امیرالیمم خونخوار نباید گردد. در سنجایی صغوف بیکارچه کارگران هلاکادهائی به اسن مضمون داده می شد.

کار مسکن آزادی

به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد استالین

زندگی استالین تجلی خشم و مبارزه پرولتاریا...



۱۵ سالگی فعالیت‌های انقلابی خود را در محافل سوسیال-دمکرات‌های انقلابی روسیه آغاز کرده است. استالین بعدها در باره سال‌های ۱۸۹۸-۱۸۹۶ نوشت:

"کارگران تفلیس اولین معلمین من بودند." با ظهور اشتقاق در سوسیال-دمکراسی انقلابی روسیه و ایجاد فراکسیون بلشویک‌ها و منشویک‌ها استالین جانب لنین، یعنی بلشویک‌ها را گرفت و تا آخرین لحظات عمر خود به راه لنین علیه منشویک‌ها، تروتسکیست‌ها و همه انحرافات چپ و راست در حزب، سرعت و چولادین مبارزه کرد.

نام استالین، در تاریخ مبارزات پرولتاریای روس و سراسر جهان نامی آکنده از وفاداری و ایمان به آرمان کمونیسم است و به همین دلیل نام هیچ کمونیستی اندازه نام استالین مورد خشم ستان آرمان کمونیسم قرار نرفته است. برای این که دلیل خشم و دشمنی را با شناسیم بدهیم نخستین سال‌های ساختمان سوسیالیسم در شوروی بازگردیم.

"میهن سوسیالیستی در خطر است"

"۲۱ فوریه سال ۱۹۱۸ بطوریکه هنوز یک سال از انقلاب کبیر اکثر گذشته است، انقلاب بساط سرمایه‌داری را درهم ریخته است. زمین از آن شوره‌های دهقانان است. همه قدرت به شوره‌های کارگران، دهقانان و سربازان سپرده شده است. حقیقی‌ترین دیکتاتوری جهان بشریت در بخش‌های وسیعی از روسیه استقرار یافته است و می‌رود که استقرار نهایی خود را در سراسر روسیه بگستراند. جهان رنجبران ملهم از ۱۰ روزی که دنیا را لرزاند" با پرفروغ‌ترین امیدها، به نخستین میهن خود نخستین میهن سوسیالیستی می‌نگرد. سرمایه‌داران و ملاکین

در درون مرزهای سوسیالیسم تلاش‌های مذبوحانه‌ای را سازمان داده است و در اتحاد با سرمایه‌داران و ملاکین سراسر جهان، در صددند نخستین

میهن سوسیالیستی را درهم شکنند و به هر نحو شده کباخ ستگری سرمایه‌داری را در شوروی برپا دارند. آنچه انهدام بساط سرمایه‌داری در روسیه را ظلیعه نابودی نظام سرمایه‌داری در سراسر جهان می‌دیدند. قیام اکثریت ناقوس بزرگ سرمایه‌داری را در سراسر جهان به صدا در آورده بود.

لنین در این هنگام نوشت: "میلیتاریسم آلمان با اجرای دستور سرمایه‌داران کلیه کشورها می‌خواهد کارگران و دهقانان روسیه و اوکراین را مختق سازد، زمین‌ها را به ملاکین، فابریک‌ها و کارخانه‌ها را به بانک‌داران و قدرت حاکمه را به دستگای سلطنت بازگرداند. "نزال هسای آلمان می‌خواهند" نظم "خود را در پرتوگراد و کیف برقرار سازند. جمهوری سوسیالیستی شوراها در معرض بزرگترین خطرات است." در چنین شرایطی بود که حزب بلشویک، سازماندهی دفاع از میهن سوسیالیستی را در مقابل تهاجم سرمایه‌داری جهانی - امپریالیسم - و ملاکین و سرمایه‌داران منظم شده روسیه سازمان داد و استالین از طرف حزب ما موریت یافت که سازماندهی دفاع قهرمانانه از "تسارتسین" ضربه اصلی را به ضدانقلاب وارد آورد. در این هنگام نام استالین در تمامی جبهه‌های نبرد روبروی با "لشکرکشی چهارده کشور" و اردوی گارد سفید همراه کارگران و دهقانانی بود که یکی پس از دیگری صفوف "ضدانقلاب" را درهم می‌شکستند و به نیروی رنجبران روسیه، پرچم سرخ انقلاب سوسیالیستی را در سراسر خاک روسیه در اهتزاز کردند.

بقیه از صفحه ۱

استالین در این نبرد، با سرمایه‌داران روسیه و امپریالیسم که در هیئت دوستان ظاهر می‌شدند برخوردی سخت داشت. و که از طرف کمیته مرکزی حزب به جبهه جنوب فرستاده شده بود، نقشه تروتسکیستی را در مورد حمله به نیروی "ضد انقلاب" نادرست تشخیص داد. در همین پیکارها بود که بارها تروتسکی از "مذاکره" سرخ برکنار شد. استالین نقش درجه اولی در بدایت ارتش سرخ به عهده گرفت. تروتسکیستی و طرفداران او توسط استالین به مبارزه‌های تازه خوانده شدند و از خشم انقلابی او خود را در امان نمی‌یافتند. این آغاز دشمنی‌های تازه با استالین بود.

دیکتاتوری پرولتاریا را مستحکم سازید

پس از این که جنگ پیروزمندان به پایان رسید، نبردی تازه آغاز شد. دوستداران سرمایه‌داری، در درون حزب بلشویک با لنین و استالین و نقشه‌های آنان برای ساختمان سوسیالیسم به مخالفت برخاستند. مبارزه‌ای که اینک آغاز شده بود، به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر از جنگی بود که پیروزمندان به پایان رسیده بود. در بحبوحه این نبرد بود که لنین وفات یافت.

استالین در تاریخ ۲۱ ژانویه پرچم سرخ بلشویسم را در اختیار گرفت و در حالی که پرولتاریای روسیه در محاصره دشمنان دوست نمایی که به نام او بر علیه او اقدام می‌کردند قرار داشت استالین را پیشوای حزب خود شناخت. استالین در سوگندی که به این مناسبت ایراد گزید چنین گفت:

"... هیچ افتخاری بالاتر از دارا بودن نام عضویت حزبی که موسس و رهبر آن رفیق لنین می‌باشد نیست. ... هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می‌کرد به ما وصیت کرد که دیکتاتوری پرولتاریا را حفظ کرده و مستحکم سازیم. سوگند یاد می‌کنیم به تو، رفیق لنین، که از نیروی خود دریغ نخواهیم شرافت انجام دهیم."

استالین در نخستین سالروز مرگ لنین نیز چنین گفت: "بفایاد داشته باشید، دوست‌های ما، بیاموزید... ایلینچ را آموزش دهید، پیشوای ما را، پیکار کنید و درهم شکنید دشمنان داخلی و خارجی را به شیوه ایلینچ، به پای دارید زندگی نوین، هستی نویسن و فرهنگی نوین را - به شیوه ایلینچ"

استالین جبهه انحلال طلبان و تسلیم طلبان را درهم می‌شکست... پس از مرگ لنین، دشمنان سوسیالیسم مبارزه‌های تازه را علیه راه لنین که اینک با نام استالین شناخته می‌شد، سازمان دادند.

استالین در این پیکار سرسختانه به نبرد پرداخت. کادرهای حزب را متحد ساخت و چنین نوشت: "در لحظه کنونی، پس از پیروزی اکثریت، سیاست اقتصادی نوین تروتسکیسم را باید از هر چیز خطرناک‌تر دانست. زیست-تروتسکیسم سعی دارد نسبت به نیروی انقلاب، نسبت به اتحاد کارگران و دهقانان و نسبت به تبدیل روسیه (زمانه نپ) به روسیه سوسیالیستی عدم اعتماد ایجاد نماید. بدون درهم شکستن تروتسکیسم ممکن نیست در شرایط سیاست اقتصادی نوین به پیروزی نائل آمد و روسیه فعلی را به روسیه سوسیالیستی تبدیل نمود."

استالین برای اینکه تروتسکیسم را از نظر تئوریک خلع سلاح سازد و مارکسیسم دروغین او را افشاء کند، "در باره اصول لنینسم" را به رشته تحریر درآورد. استالین با این اثر نه تنها تروتسکی و طرفداران او را از نظر مسلکی خلع سلاح نمود، بلکه بسط و تعمیق مارکسیسم بر اساس آموزش‌های لنین، پرولتاریای سراسر جهان را، در مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم توانا تر ساخت.

استالین با درهم شکن جبهه انحلال طلبان و تسلیم طلبان و خائنین به آرمان سوسیالیسم، ساختمان اقتصادی نخستین میهن سوسیالیستی را پی افکند و صنعت نویسن سوسیالیستی را در شوروی بر پایه‌های استوار بنیان نهاد.

استالین، در تأمین منافع اساسی طبقه کارگر، اشتراکاتی کردن کشاورزی را سازمان داد. کلبه‌ها و سالخوזהا را رشید و گسترش یافت و "انقلابی" دیگر پشت سر نهاده شد. در اهمیت این مرحله در تاریخ بلشویسم چنین نوشته شده است: "این انقلاب، با یک ضربه سه مسئله اساسی ساختمان سوسیالیستی را حل کرد.

الف - کثیرالعدده ترین طبقه استثمار کننده در کشور ما، یعنی طبقه کولاک‌ها، این تکیه گاه مستحکم اعاده سرمایه‌داری را از بین برد. ب - کثیرالعدده ترین طبقه زحمتکش کشور ما، یعنی طبقه دهقانان را، از راه اقتصاد انفرادی که مولد سرمایه‌داری است، به راه اقتصاد دسته‌جمعی کلخوزی سوسیالیستی سوق داد.

ج - در وسیع‌ترین و حیاتی‌ترین رشته اقتصاد ملی و در عین حال عقب مانده‌ترین رشته‌های آن یعنی در اقتصاد روستایی به حکومت شوروی پایه سوسیالیستی داد."

استالین در اثر مشهور دیگر خود "مسائل لنینسم" در این باره چنین نوشت: "آخرین امید سرمایه‌داران تمام کشورها که آرزوی اعاده سرمایه‌داری را در اتحاد شوروی در سردارند، یعنی "اصل مقدس مالکیت شخصی" از هم می‌پاشد و بر باد می‌رود. دهقانان، که به نظر سرمایه‌دار مادامی برای کودزین، جهت سرمایه‌داری بیش نیستند گروه گروه از پرچم

ستوده مالکیت شخصی دست برداشته راه کار دسته جمعی، راه سوسیالیسم را در پیش می‌گیرند. آخرین امید اعاده سرمایه‌داری از هم می‌پاشد."

به این ترتیب استالین، آخرین امید سرمایه‌داران جهان را درهم می‌شکند. او نقش هزاران ساله مالکیت خصوصی را در سر می‌سازد و با نابودی مالکیت خصوصی این چنین است که تکفیر همان سرمایه‌داری، به مثابه یک افتخار کمونیستی برای استالین به ارمان می‌ماند. افتخار بی‌حرمت، ساختن مفاسد نظام سرمایه‌داری نصب استالین می‌گردد و از اینجا است که استالین را نفرت و کینه و بی‌حرمتی‌های دوستداران آشکار و پنهان بهره‌کشی سرمایه‌دارانه همراهی می‌کند. نا آنجا که پس از گذشت نزدیک به ۳۰ سال از مرگ استالین هنوز شعله‌های این نفرت و خشم به خاطرش نگرایده و تا زمانی که سرمایه‌دار در جهان باقی است نام استالین لسیزه بر اندام سرمایه‌داران و طرفداران آنان خواهد افکند.

رفیق شهید مومنی در تحقیقی که پیرامون استالین به عمل آورده بود، در بیان نقش استالین در جنگ میهن و شکست فاشیسم چنین نوشت:

"... استالین بزرگترین شکست دهنده فاشیسم هیتلری بود. او سهمی عظیم در قلع و قمع آلمان هیتلری و رهائی طبقه کارگر کشورهای اروپای شرقی دارد.

واقع بینی استالین در استفاده از تضاد بین امپریالیست‌ها و تشکیل جبهه متفقین با امریکایی و انگلستان و در عین حال آگاهی بر ماهیت سوداگری آنان و اشتغال به موقع سرزمین‌های اروپای شرقی، سهم او را در پیروزی طبقه کارگر شوروی و اروپای شرقی و نیز پیروزی تمام خلق‌های جهان بر فاشیسم بیشتر می‌کند. استالین تجسم اراده آهنین پرولتاریای رزمنده اتحاد شوروی بود."

اشتباهات استالین، اشتباهات تاریخی پرولتاریا است آنچه که تاکنون بر سر می‌دهیم به معنی فراموش کردن اشتباهات استالین نیست. اتفاقاً عقیده داریم، توضیح علمی اشتباهات رفیق استالین، می‌تواند چهره دشمنان آرمان سوسیالیسم، تروتسکیسم، ریزینوسم، طرفداران تئوری سه جهان و... را از پس پرده عوامفریبی و مارکسیسم دروغینی که در آن فرورفته‌اند، بیرون افکند و رسوا سازد.

امروز، در صدمین سالگرد تولد استالین، انقلابیون کمونیست در سراسر جهان، اهمیت چنین توضیحی را بیش از هر زمان دیگری احساس می‌کنند و ناگفته پیداست چنین وظیفه‌ای در این مختصر نمی‌تواند به انجام رسد. ما ترجیح می‌دهیم مقاله خود را با برگرفته‌ای از کوشش‌های رفیق شهید حمید مومنی که در این زمینه داشت به پایان آوریم. ضمن تأکید بر این نکته که دستاوردهای مثبتی که در مقاله رفیق مومنی وجود دارد، به اعتقاد ما تنها نخستین گام‌های بقیه در صفحه ۱۱

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بقیه از صفحه ۱۲

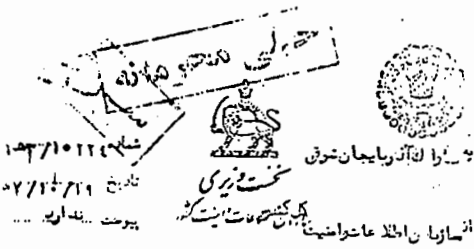
گرامی باد یاد رفقای شهید ***

یکماه پیش از قیام بهمن ماه،

گردانندگان حزب جمهوری ...

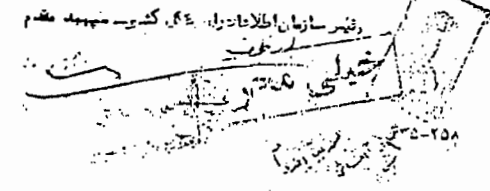
خون پاک خود، پیشگام مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک میهن ما بودند. آنهایی که امروز خود را دوستدار مردم معرفی می کنند، میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی و میرزا حمید واعظی و میرزا حمید شریانی، مبلغ یک میلیون تومان از ساواک دریافت می دارند تا علیه مبارزات مسردم

خروج و تبلیغ کنند. آنها این پول را برای حفظ رژیم منفور شاه مورد استفاده قرار می دادند. بدون تردید مردم قهرم آذربایجان هرگز "آزادبخو" دروغین این عناصر را نخواهند کرد. عناصری که باید به خاطر خیانت به فد ایران محاکمه و مجازات شو



درمانه، کمان مالی به رویانین مخالف خمینی در تبریز

به طرز بیرحمانه آقایان میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی و میرزا حمید واعظی و میرزا حمید شریانی سرودسته غارتگران خمینی و شاخه هستند دستور دهید کلیه رزوه رزوه را به یگانهای روسانیون در ساواک تبریز در اختیار ناهمکاران فوق قرار داده شود و به آنها تاکید گردد که بودجه منبرهای باید بر علیه خمینی و سرودسته طرفداران خمینی در تبریز یعنی قاضی خرم و تبلیغ کردن مرتجعیت اقدام سریع انجام می شود.



و تخت شکنجه و بازجویی قرار گرفت. سرور شجاعانه اسرار انقلابی را از دشمن پوشیده نگاهداشت و علیرغم عضویتش در یک سازمان مسلح، به علت بی نتردن دشمن به یک سال زندان محکوم گردید.

رفیق مسرور فرهنگ، پس از آزادی از زندان به سازمان پیوست و برحسب وظیفه سازمانی، خود و همسرش در کارخانه های مشغول کار شدند تا از طریق زندگی و کار با کارگران در جهت پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودبخودی طبقه کارگر موثرتر افتد.

رفیق مسرور فرهنگ، به تبلیغ و ترویج آرمان سوسیالیسم در میان طبقه کارگر پرداخت و از خود کارآئی و توانائی های شایانی بروز داد. رفیق به زودی توانست مسئولیت های بیشتری در سازمان برعهده گیرد و کارهای حساس تری حمت پیشبرد مبارزه به او محول گردید.

در ۱۹ دی ماه ۵۴ مخفیگاهی که رفیق در آن زندگی می کرد توسط ساواک مورد شناسائی قرار گرفت و محاصره گردید. در جریان محاصره مخفیگاه رفیق مسرور نمونه ای از شجاعت و فداکاری را به خلق های قهرمان ایران عرصه داشت. او شجاعانه مقاومت کرد تا دو تن از رفقای او، حلقه محاصره را درهم شکستند و خود پس از چند ساعت درگیری در همان خانه، به دست جلادان رژیم به شهادت رسید.

به نام رفیق شهید پویان نامگذاری شد و در عملیات متعددی شرکت جست که حملنه به سفارت آمریکا در اوایل ۵۵ انفجار در خطوط انتقال نیرو در جریان جشن های تکمیل ۲۵۰۰ ساله، مصادره بانک صادرات شعبه نارمک، از آن جمله بود و سرانجام پس از سه سال مبارزه پیگیر در دشوارترین شرایط در ۲۰ دی ۵۲ در یک درگیری مسلحانه با مزدوران رژیم در منطقه لرستان پس از نابود کردن چندین مأمور دشمن به شهادت رسید.

هرچه پرشکوه تر باد خاطره این رفیق

فدائی شهید مسرور فرهنگ

رفیق مسرور فرهنگ در ۶ اردیبهشت سال ۲۶ در آستارا متولد شد. در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده صنعتی پلی تکنیک تهران شد. او یکی از فعالین سازمان صغنی دانشجویان پلی تکنیک تهران بود.

رفیق مسرور، در سازماندهی اعتصابات سال ۱۳۴۸ از جمله اعتصاب رانندگان شرکت واحد نقش موثر و فعالی به عهده داشت. در همین رابطه نیز در فروردین سال ۴۹ بازداشت شد و به سرپازی اعزام گردید. در مدت سرپازی، رفیق مسرور به سازماندهی هسته های مطالعاتی و محافل مارکسیستی دست زد.

پس از پایان دوره سرپازی رفیق به فعالیت های انقلابی خود ادامه داد. تا این که در مهرماه سال ۵۲ مجدداً بازداشت

حزب توده پیوست. سال ها مبارز هنکاری با این حزب بود که خصوصیات فرصت طلبانه رهبری حزب توده را دریافت و مانند بسیاری دیگر از کارگران از آن کناره گرفت. حسن ۹ ساله بود که پدرش با جمعی از پارتنش در جریان یک عمل انقلابی برعلیه رژیم کودتا به شهادت رسید و درمی بزرگ به حسن آموخت که تاثری شگرف بر روح حساس حسن برجای گذارد. پس از آن حسن به ناچار دست از تحصیل کشید و به کارگری پرداخت. سال ها نزد استادکاران مختلف (بخاری ساز، شیشه بر، فلزکار و...) کار کرد و با چهره خشن واقعیت استثمار آشنا شد. همچنین با مطالعه آثار تئوریک انقلابی و آشنائی با تئوری چند از روشنفکران انقلابی به شناختی عمیق از وضع جامعه ایران دست یافت. در سال ۴۸ با گروه مارکسیستی رفیق احمد زاده تماس پیدا کرد. او نیز مثل بقیه اعضای گروه به این نتیجه رسید که مبارزه با دیکتاتوری فاشیستی ایران با توجه به سوابق ذهنی خلق از مبارزات گذشته جز در شکل سیاسی - نظامی امکان پذیر نیست. از آن پس رفیق همچون یک انقلابی حرفه ای راه دشوار خود را آغاز کرد. او در عملیات حمله به کلانتری قلبک و اقدام انقلابی سپید فرسو و عطیبات بانک آینه پاور نقی برجسته داشت. در سال ۱۳۵۰ ضربات سنگینی بر سازمان وارد شد و تیم چریکی رفیق احمد زاده از هم باشد. رفیق حسن با تجدید سازمان بخشی از بقایای گروه و جذب عناصر فعال و آگاه واحد چریکی جدیدی تشکیل داد که

بهمناسبت یکصدمین سالگرد تولد رفیق استالین

به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد استالین

زندگی استالین تجلی خشم و ...

بقیه از صفحه ۱۰

فرمان افول شخصیت عظیمی چون پلخانف را صادر کرد. یعنی ضرورت های اجتماعی (سیاست های استالین) خط مشی و ایدئولوژی دوره ای از مبارزات تاریخ سیاسی پرولتاریای شوروی است که خدای شوری در دو جنبه مختلف، می جنگیدند، یکی در جنبه داخلی علیه کولاکها و بقایای بورژوازی، در جامعه شوروی و یکی که در جنبه جهانی علیه دولت های امپریالیستی، خدایت پرولتاریای شوروی در تکتای این مبارزات است. استالین (استالین) است. و تاریخ پرولتاریا است که در اساس قوانین امپریالیستی - دیالکتیکی سماجت، فتح کرده است. هم از آن می توانسته است باشد.

رفیق مومی می نویسد: ... مسلماً تنها چیزی که امکان رو آمدن و ابراز وجود به استالین داده ضرورت های مشخص اجتماعی است. در زمانی که شخصیت سیاسی استالین نشو و نما می یافت و به رهبری حزب و دولت می رسید، عظیم ترین اندیشه های تاریخ و عظیم ترین مبارزات طبقاتی تاریخ، در زمان او و حول و حوش او جریان داشت در خود روسیه و در جریان مبارزات انقلاب، غول هائی چون پلخانف، زاسولیک، مارتوف، بوخارین، تروتسکی و غیره وجود داشتند. در این میان چه چیزی سبب شد که استالین به اوج برسد؟ مسلماً همان چیزی که

منسجم آمار مارخ بلسویک

اطلاعیه شماره (۸) هیئت نمایندگی خلق کرد درباره وقایع اخیر سنج

هذو پستان مبارز! خلق قهرمان کرد!

تعهدات خود در این زمینه با تقویت سپاه پاسداران و اسرار در نگاه داشتن آنان عملاً به این گونه نامنی ها کمک می کند. این اقدامات همراه با تبلیغات تحریک آمیزی که اخیراً در بعضی خرابد انتشار یافته است مجموعاً فضای متشنج قبل از جنگ تحمیلی مراد ماه را تجدید کرده است. ما عواقب ناگوار این اوضاع را به هیئت ویژه دولت که دارای اختیارات کشوری و لشکری است و با برخورد غیر جدی و غیر مسئولانه خود به ماجراجویی های پاسداران میدان می دهد، یاد آور می شویم.

انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) و سازمان چریک های فدائی خلق ایران - شاخه کردستان، به منظور خنثی کردن توطئه پاسداران و به خاطر حفظ محیط آرامی که برای ادامه مذاکره ضروری است با صبر و خویشتن داری از هرگونه درگیری خودداری کرده و برای برقراری مجدد آرامش کوشیده اند. ارتش مستقر در پادگان سنج در این ناآرامی دخالت نداشته است اما هواپیماهای فانتوم در ساعات بعد از ظهر بر فرار شهر به مانور پرداخته اند.

در ادامه اقدامات تحریک آمیز سپاه پاسداران اعزامی به سنج بنا به گزارش دفاتر سازمان های سیاسی، سنج در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر سهشنبه ۱۱ دی ماه افراد این سپاه با رگبار سلاح های خودکار به خیابان های شهر ریخته و باعث ناامنی و تعطیل مغازه ها گردیده و در نتیجه تیراندازی آنان سه نفر اهالی شهر شهید و هشت نفر مجروح شدند. از ساعت ۶/۵ بعد از ظهر علیرغم مذاکرات سروهای سیاسی مسئولان استادار کردستان و فرمانده پادگان، پاسداران مذکور به تکرار مقامات مسئول اعتنایی نکرده و با سلاح سبک از قتل خمیازه و بارحکامداز مناطقی از شهر را محاصره فرار داده اند.

بر اساس اطلاعات واحد سراندازی پاسداران سراندازی های افراد غیر مسئول تابع داده شده است. اما سمرکان سروهای سیاسی (حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان

هیئت نمایندگی خلق کرد ضمن تسلیت به خانواده شهید از عموم مردم مبارز و پیشمرگان قهرمان سنج دعوت می کند که برای خنثی کردن این توطئه ها و حفظ محیط آرامی که برای ادامه مذاکرات ضروری است، متابیت انقلابی خود را همچنان حفظ کرده و از هرگونه درگیری خودداری کنند و نیز به توصیه سروهای سیاسی مسئول در این مورد توجه دقیق مبذول دارند. هیئت نمایندگی خلق کرد ۱۲ دی ماه ۱۳۵۸

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

اطلاعیه شماره (۸) هیئت نمایندگی
خلق کرد درباره وقایع اخیر سنجندج

در صفحه ۱۱

گرامی باد یاد رفقای شهید ***

کمک های مالی دریافت شده

کد	مبلغ	کد	مبلغ	کد	مبلغ
۲۰۰۰	۱۲۵-س	۵۰۰۰	۸۲۱-ج	۱۰۰۰	۳۵۱-الف
۲۰۰۰	۲۰۰-م	۲۰۰۰۰	۲۳۸-ج	۱۲۰۰۰	۵۰۰-ع
۱۰۰۰۰	۲۵۰-ب	۲۵۰۰۰	۱۱۱-ج	۱۰۰۰۰	۷۰۲-ج
۵۰۰۰	۲۵۵-ج	۱۰۰۰۰	۳۳۳-ج	۷۵۰	۲۱۲-ب
۱۰۰۰۰	۹۹-ب	۱۰۰۰۰	۳۲۹-ن	۱۱۰۰۰	۱۱۱-الف
۱۰۰۰	۱۰۰-س	۳۰۰۰	۱۰۱-ج	۳۰۰۰۰	۹۹۱-م
۴۰۰۰	۴۰۱۰	۵۰۰۰	۲۹۰۰-ر	۸۰۰۰	۱۰۰۰۰-الف
۲۰۰۰	۵۰۱۰	۳۰۰۰	۳۰۰-م	۵۰۰۰	۱۲۲-ب
۱۰۰۰۰	۱۱۱۱	۴۰۰۰	۲۵۶-الف	۳۵۰۰	۹۲۴-س
۵۰۰۰	۱۱۱	۱۰۰۰۰	۷۴۱-س	۲۶۰۰۰	۳۳۳-ب
۱۰۰۰	۲۵	۵۰۰۰	۸۴۸-ر	۱۰۰۰۰	۳۱۱-الف
۲۰۰	۲۵	۵۰۰۰	۱۵۵-ر	۵۰۰۲۰	۷۷۱-ج
۱۵۰۰۰	۲۵	۱۵۰۰۰	۳۰۹-ق	۵۰۰۰	۱۲-ن
۱۰۰۰۰	۵۵	۷۰۰۰	۷۱۲۷-ب	۵۰۰۰	۳۰۵-ن
۱۰۰۰۰	۶۵	۱۰۰۰۰	۳۵۷-ج	۱۰۰۰	۳۶۵-ب
۵۰۰۰	۱۰۰۴	۵۰۰۰	۵	۵۰۰۰	۳۲۱-ر
۳۰۰۰۰	۱۷	۳۰۰۰	۳۰۲۶	۵۰۰۰	۱۸
۱۲۰۰۰	۳۷۱	۱۲۰۰۰	۲۲۴	۵۰۰۰	۲۶۴-ن
۱۲۰۰۰	۳۷۲	۲۰۰۰۰	۷۰۶	۲۰۰۰	۳۳۱
۸۰۰۰۰	۸۲۲۵۲	۳۰۰۰۰	۸۸۸	۱۰۰۰۰	۳۳۵-ب
۳۰۰۰	۱۰۰۰۲۰	۱۲۰۰	۷۷۷-م	۱۰۰۰۰	۹۵۵-ب
۳۰۰۰	۳	۲۰۰۰	۸۸۸-م	۳۰۰۰	۱۲۵-م
۲۴۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۳۵۸-م	۳۰۰۰	۲۲۲-ج
۲۰۰۰	۱۱۱-۲	۱۰۰۰۰	۱۹۳-ف	۱۰۰۰	۱۶۶-م
۱۵۰۰۰	۱۲۷-ه	۵۰۰۰	۱۲۳-ز	۴۰۰۰	۵۸۵-م
۱۰۰۰	۳۲۵-ع	۲۰۰۰	۵۶۸-ج	۱۲۰۰۰	۳۸۵-ب
۱۰۰۰	۱۲۵-ب	۲۰۰۰	۲۸۱-ه	۲۰۰۰	الف-۲۰۱
۵۰۰	۲۲۴-ک	۲۰۰۰۰	۱۲۴-ر	۱۰۰۰	۳۷۶-ع
۱۰۰۰۰	۳۹۵-م	۱۵۰۰	۲۰۰-م	۲۰۰۰	۷۷۹-س
۳۰۰۰۰	۳۲۲-ج	۴۰۰۰	۲۱۲-م	۱۰۰۰۰	۲-الف
۲۵۰۰	۴۴۴-ب	۴۰۰	۲۱۹-ج	۱۰۰۰۰	۴۱۳-ه
۲۰۰۰	۱۲۰-د	۳۰۰۰۰	۲۲۰-م	۱۵۰۰۰	۳۲۱-ع
۲۰۰۰۰	۳۰۲-ط	۳۰۰۰	۱۲۹-و	۱۰۰۰۰	۱۴۲-ک
۱۰۰۰۰	۳۱۵-م	۳۰۰۰	۱۵۸-ت	۲۰۰۰	۴۴۴-ن
۱۰۰۰	۶۲۴	۷۰۰۰	۴۸۵-ه	۵۰۰۰۰	۶۳-ت
۱۰۰۰۰	۹۶۲-ع	۱۰۰۰۰۰	۵۵۵-س	۱۰۰۰۰	۳۴۱-ج
۲۰۰۰	۱۱۲-ط	۸۶۰۰۰	۸۶	۵۰۰۰	۰۰۰-ع
۷۹۵۰	۲۰۵	۷۵۰۰۰	۵۵۰-ج	۱۲۰۰۰	۵۵۵-ع
۵۵۰۰	۱۹۱-ن	۵۰۰۰	۱۰۴-م	۱۰۰۰۰	۲۵۶-س
۵۵۰۰	۵۵۰	۱۵۰۰۰	۸۱۳-ب	۱۰۰۰۰	۳۵۷-م
۵۵۰۰	۵۵۰	۵۲۵۰۰	۱۶۱-ر	۱۰۰۰	۶۱۷-م
۲۰۰۰	۲۰۰-ک	۲۱۲۰۱	۵۵۵-ش	۱۵۵۵۲	۳۲۱۹-م
۵۰۰۰	۵۰۰-ج	۱۰۰۰۰	۳۱۱-م	۲۰۰۰	۷۹۰-الف
۲۵۰۰	۱۲۵-ب	۵۰۰۰	۸۸۸-ز	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰-د
۲۰۰۰	۴۱۱۱-پ	۲۰۰۰	۷۹۷-ن	۵۰۰۰	۴۱۲۱۵
۱۵۰۰۰	۳۰۹-ق	۵۰۰۰	۷۹۲-و	۵۰۰۰	۳۴۳۰
۷۰۰۰	۷۱۲۷-ف	۱۳۰۰۰	۲۱۹-ج	۲۰۰۰	۲۵۵۷
۱۵۰۰۰	۱۰۷	۱۰۰۰۰	۳۳۸	۳۵۰۰	۱۲۲۷
۲۰۰۰۰	۳۲	۵۱۲۰	۹۹۹-م	۱۵۰۰۰	۱۸۷-ع
۱۵۰۰۰	۱۱۷	۱۰۰۰	۹۸۰-ب	۲۰۰۰	۱۲۴-ه
		۲۰۰۰۰	۴۲۰-ن	۷۰۰۰	۱۲۳-س



فدائی شهید رفیق مسرور فرهنگ

در دی ماه ۱۳۵۰ روزنامه ها اعلام کردند که سه تن از دانشجویان دانشگاه شیراز حین ساختن بمبی در خوابگاه دانشگاه به سبب انفجار بمب کشته شده اند. و به این طریق درگیری طولانی که به شهادت این رفقا انجامید و هجوم پلیس به خوابگاه را در پی داشت مسکوت گذاشته شد. این رفقا عبارت بودند از مرتضی حاج شفیع ها، حسن محمودیان و احمدی.

فدائی شهید رفیق حسین محمودیان در سال ۱۳۲۷ در شهرک "اوز" در یک خانواده متوسط به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهرهای اوز، بندر لنگه و شیراز به پایان رسانید و وارد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز شد. در ادامه فعالیت های سیاسی اش در ۶ دی ماه سال ۵۰

همراه با دو رفیق هم رزمش احمدی و حاج شفیعها در نبرد با مزدوران ساواک به شهادت رسید. اما رژیم علت شهادت آنان را انفجار بمب در حین ساختن قلمداد کرد که دروغ محض بود.

خاطر ما شورا گرامی می داریم.

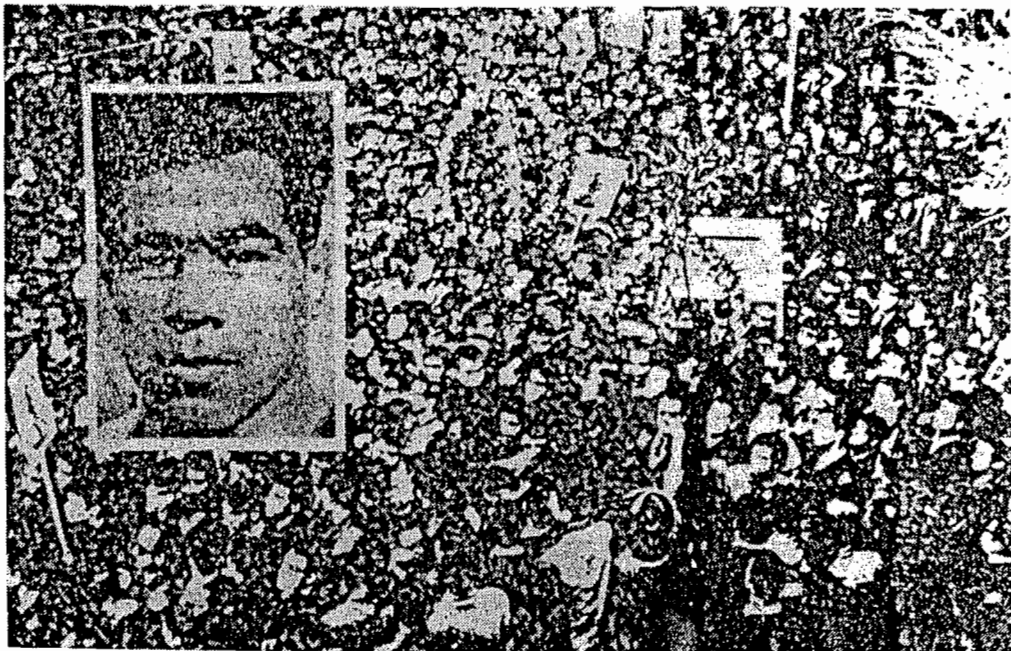
بقیه در صفحه ۱۱

به مناسبت دوازدهمین سالروز شهادت تختی.

مردم در نظاهرات هفتم و چهارم تختی فریاد می زدند:

« زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته »

غلامرضا تختی در سال ۱۳۰۹ آغاز با درد و رنج زحمتکشان آشنا شد. در خانی آباد متولد شد، از همان گشت و همواره قلبش برای آنان تپید. کشتی را از باشگاه پولاد آغاز کرد و ۲۳ ساله بود که بسینه



توضیح درباره کمک های مالی

سازمان جریک های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.

کمک های مالی خود را از هر طریق که می شناسید و باطمینان دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمونه هایی دیده شده است که عدای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع آوری کمک های مالی مبادرت کرده اند، به دوستان و رفقای ما توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمک هایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم کسه خودشان انتخاب کرده اند. همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.

سازمان کد و حرف اول نام شماره همراه با نامی که به پرداخت کننده در سربزه "کار" به چاپ می رسد. به این ترتیب به ما اطلاع می دهد که کمک مالی تان به سازمان رسیده است. لازم به ذکر است که رابطه به هیچ وجه نباید یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد.

ما از هم میهنان مبارز می خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله ما را مطلع سازند. استعلامات نامی در صورت طلب شوند.

پیش بسوی نسکیل حزب طبقه کارگر

مورگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

ویژه افشای سرمایه داران لیبرال
دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا
یکشنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۸

کارگران و زحمتکشان
برای افشاء و طرد سرمایه داران لیبرال و
بشرد مبارزه ضد امپریالیسم - دموکراتیک
متحد شوید

آیت الله شریعتمداری کیست؟ و چه می خواهد؟

خلق ما آیت الله شریعتمداری را هرگز دوست خود بشمارینیاورده است

حزب جمهوری خلق مسلمان دست نشانده امپریالیسم امریکا و مورد حمایت فعال آیت الله شریعتمداری است

روزهایی که همه مردم ایران برای نابودی شاه و برای بیرون راندن امپریالیسم امریکا از ایران تیر می کردند، آیت الله شریعتمداری و سایر طرفداران سرمایه داری وابسته علیه مردم توطئه می کردند. ما همراه این سند بخشی از اسنادی را به چاپ رسانده ایم که اخیر به دست ما افتاده و نشان می دهد که مقدمه مراعاتی مشاور نزدیک آیت الله شریعتمداری جاسوس امریکا است و در ضمن نشان می دهد که مقدمه مراعاتی رابط جاسوس سازمان سیا با حزب جمهوری خلق مسلمان است.

اسناد اخیر ثابت می کند که همه سرمایه داران لیبرال از جمله حزب جمهوری خلق مسلمان، با امپریالیسم امریکا در ارتباط بوده و بخصوص برای توطئه و اقداماتی که هم اکنون مرتکب می شوند، از چندماه پیش خود را آماده می کردند.

اسناد زیر نتایج بخش کوچکی از اسنادی است که توطئه های سرمایه داران لیبرال علیه خلق های ایران و روابط بین سرمایه داران لیبرال را با جاسوسان امپریالیسم امریکا برملا می کند. ما در آینده اسناد بیشتری را در دستگاه خلق های همزمان مهبس افشاء خواهیم کرد.

خیال کنند ایشان هم مخالف است و به حرفش گوش دهند تا بهتر بتوانند جلوی مبارزات مردم را بگیرند.

بنابراین تجنی ندارد اگر امروز، آیت الله شریعتمداری همراه با مشتکی سرمایه دار طرفدار امریکا که شد و روز بسا دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا سفول توطئه علیه مردم زحمتکش ما هستند. حزب جمهوری خلق مسلمان را تاسیس کرده و می خواهد با کشاندن مردم به دنبال این حزب منافق جمع سرمایه داران را حفظ کند و جلوی مبارزه مردم را با امپریالیسم امریکا مسدود کند.

سرمایه داران وابسته به آن بگیرد. این اسناد برای آگاهی خلق های ایران به ویژه خلق قهرمان آذربایجان که در مبارزات گذشته پرچمدار مبارزه ای قهرمانانه علیه رژیم شاه و امپریالیسم امریکا بوده و هم اینک نیز در مبارزه با امپریالیسم امریکا و سرمایه داران لیبرال فعاله شرکت دارد. درخور اهمیت فراوان است. این اسناد نشان می دهد که سرمایه داران لیبرال و آیت الله شریعتمداری که جزو آنهاست تا چه حد با هدیه های عادلانه خلق قهرمانان آذربایجان که برای سرکوبی رژیم شاه و نابودی ستم شریعتمداری و امپریالیسم امریکا مبارزه می کنند، در خفا خون های بسیاری داده و مبارزاتی در خفا کرده است. دشمن هستند و چگونه در

سا، برای روشن شدن حقایق اسنادی که از طریق ساواک برای آیت الله شریعتمداری شده در آن نظرات آیت الله شریعتمداری را راجع به مبارزات مردم و راجع به رژیم به شاه منتقل می کرده است. در اینجا به چاپ رسانده ایم.

این اسناد نشان می دهد که آیت الله شریعتمداری نیز مثل سران حبیبه ملی و نهضت آزادی و امثالهم، تا آخری لحظه با حکومت شاه در ارتباط نزدیک بوده و می گویند که رژیم سلطنت را حفظ کند این سند به خوبی نشان می دهد که آیت الله شریعتمداری همیشه با مبارزات مردم مخالف بوده و می گویند: ... با نجات رژیم شاه منافع خود و سایر سرمایه داران را از خطر نجات دهد.

آیت الله شریعتمداری حالاهم تلاش دارد منافع سرمایه داران لیبرال را پس از شکست امپریالیسم را حفظ کند. او خود جزو این سرمایه داران است.

اسناد زیر نشان می دهد که آیت الله شریعتمداری حتی پس از ۱۷ شهریور نیز که شاه هزاران تن از مردم را به سجنات رسانده و همه مردم ایران یکبار به سرای سرکوبی رژیم سلطنت به با جناح بود. هنوز اسناد و اسنادی که رژیم سلطنت را حفظ کند. اسناد زیر ثابت می کند که آیت الله شریعتمداری گاهی از رژیم اشتدای می کرده، برای آن بوده که مردم

هواداران سازمان باید با تمام قوا توطئه های حزب جمهوری خلق مسلمان را خاموش سازند.

بر عهده هواداران سازمان و دیگر نیروهای انقلابی آذربایجان است که مردم ناآگاه را از شرکت در تظاهرات راهپیمایی که توسط حزب جمهوری خلق مسلمان تدارک دیده می شود، منع کنند، و چنانچه ایادی این حزب خواسته باشند در شهر تشنج و درگیری ایجاد نمایند، همراه و همپای مردم این توطئه را با تمام قوا و قدرت خود خاموش سازند.

گودتا، هدف مشترک امپریالیسم امریکا، سران ارتش و آیت الله شریعتمداری است

آیت الله شریعتمداری اخیرا به طرفداران خود گفته است: "تدارکی بینید برای وقتی که اینها رفتند، باید یک قدرت ارتقی زمام امور را به دست بگیرد."

تحریکات و توطئه های که از جانب مخالف وابسته به آیت الله شریعتمداری تدارک دیده شده است و اکنون روز به روز به نحو جدی تری پیروزی به دست آمده در قیام راهپیمایی کند، از چند ماه پیش به این سو منظم تعقیب شده است. در این توطئه از یک سو سفارت امریکا و پس از برچیده شدن بساط آن، ایادی پنهان و نگاران دست دارند از سوی دیگر، حزب جمهوری خلق مسلمان، نهضت رادیکال، حزب ایران (حزب شاپور بختیار) به علاوه سران جنایتکار ارتش و در رأس آنان، محمد حسین شاکر، فلاهی، سپید، احمد مدنی که اخیرا با سیج مسلحانه ایل بختیاری (ایل تیمور و شاپور بختیار)

تعرض نوینی را آغاز کرده اند. مروری بر اسناد جاسوسی رحمت الله مراعاتی (نوجه صحبت های آیت الله شریعتمداری با عده ای از دوستانش در روز شانزدهم آذرماه در قم (۲۰ روز پس از کشته شدن یک پاسدار منزل ایشان) به بهترین وجه تکوین نقشه های راکه وقایع - رخ چند روز اخیر تبریز انجامیده، بازگو می کند و نشان می دهد که چه خطرات بزرگی دستاوردهای قیام شکوهمند خلق را در آستانه اولین سالگرد آن در معرض خطرات جدی از جانب دوستانداران شاه قرار داده است.

ما گوشه ای از این اسناد را که ماهیت آن را آشکار می کند، در صفحه ۴

آیت الله شریعتمداری یک سرمایه دار است!

طبقه سرمایه دار ایران، اکنون همراه با استثمار طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش میهن ما، سعی بر آن دارد که با عوافرینی پرده ساتر بر این روابط استثمارگرانه انداخته و با چهره دروغین آزادیخواهی سعی در سرکوب و به انحراف کشاندن مبارزات خلق های قهرمان ایران دارد.

ما همراه این گزارش سندی را به چاپ رسانده ایم که نشان می دهد آیت الله شریعتمداری یک نمونه از طبقه سرمایه دار ایران است. در صفحه ۳

طرح تماس امریکا و آیت الله شریعتمداری

در صفحه ۴

سرمایه داران لیبرال علیه مبارزات مردم ما بسیج شده اند.

در صفحه ۳

اسناد زیر در جریان قیام بهمن ماه و تسخیر مراکز ساواک به دست نیروهای انقلابی افتاده است

اسناد زیر روابط آیت الله شریعتمداری را با رژیم شاه توضیح می دهد

اسنادی که در این سند، اطلاعاتی است که در جریان قیام بهمن ماه و تسخیر مراکز ساواک به دست نیروهای انقلابی افتاده است. اسناد زیر روابط آیت الله شریعتمداری را با رژیم شاه توضیح می دهد.

اسنادی که در این سند، اطلاعاتی است که در جریان قیام بهمن ماه و تسخیر مراکز ساواک به دست نیروهای انقلابی افتاده است. اسناد زیر روابط آیت الله شریعتمداری را با رژیم شاه توضیح می دهد.

بیشتری داشته باشند و برای آنکه حرفی هم زده باشم گفتم که از اعلیحضرت بخواهند که در انجام اصلاحات سرعت بیشتری به خرج دهند.

یکی از پایگاه های مخالفت با رژیم سلطنتی ایران، نجف است که من صد درصد با این پایگاه مخالفم. من برای حفظ مملکت، دیانت و سلطنت فکر می کنم. من برای حفظ تاج و تخت و رژیم، متکی به قانون اساسی شده ام و راه میان راه را انتخاب کرده ام.

این راهی است که هم به نفع اعلیحضرت است و هم به نفع من و هم به نفع دستجاتی که میراثان بامن یکی است و مانند من دربار شاه ایران فکر می کنند.

این راهی که من میروم به آن علت است که ابتکار عمل به دست تندرورها نیست. اگر مرا در مسیر کاملاً موافق احساس کنند، دیگری نمی توانم مانند سدی در مقابل تندرورها عمل کنم. من باید ترتیبی بهم تندرورها کنند و به همین جهت است که برای جلب گروه ها و افکار عمومی در داخل و خارج از کشور میانه دارم، چه اگر چنین نمی کردم وضعیت تندرورها به جایی می رسید که مملکت را از بین می برد.

من به آن جهت به قانون اساسی تکیه می کنم که بتوانم درباره حفظ تاج و تخت و مملکت بهتر تلاش کنم و بیشتر موفق باشم ...

بقیه اسناد در صفحه ۲

در پیشگاه خلق افشاء کنیم

طرح تماس آمریکا

وآیت‌الله شریعتمداری

در اواسط مهرماه امسال امپریالیسم آمریکا در پی ناامیدی از برقراری رابطه با آیت‌الله خمینی، سراغ آیت‌الله شریعتمداری می‌رود که از دیرباز مورد اعتماد انحصارات امریکائی و رژیم جنایتکار شاه بوده است. طبق یادداشت‌های تقویم مراغه‌ای که انتشار داده‌ایم، (سند شماره ۸) "توم" جاسوس امریکائی، روز ۱۵ مهر از مراغه‌ای می‌پرسد:

"اگر با شریعتمداری تماس بگیریم، خمینی اطلاع پیدا کند، برای ما سود نمی‌شود؟"

مراغه‌ای توصیه می‌کند:

"اگر قبل از خمینی او را ببینید، البته ضرر دارد."

مراغه‌ای در آخرین تماس‌هایش با "پرست" جاسوس امریکائی می‌گوید:

"به هر ترتیبی هست، با امام کنار بیایید، این تنها توصیه من است."

او ابلهانه فکری کند تنها راه نفوذ و

تحکیم سلطه امریکا تماس با آیت‌الله خمینی است.

اما اگر امریکا که حواسش جمع‌تر از مراغه‌ای است، از شریعتمداری بودن کوشش برای تماس مستقیم با آیت‌الله خمینی ناامید شده است، چنین کاری را امکان پذیر و مفید نمی‌داند و فکری کند چنانچه به این کار اقدام شود، مورد بهره‌برداری تبلیغاتی مردم قرار می‌گیرد.

نقشه امریکا چیز دیگری است، امریکا ضمن اینکه مطابق سند افشاگری "دانشجویان مسلمان پیروخط امام" توصیه مراغه‌ای برای کوشش در جهت برقراری رابطه با آیت‌الله خمینی را به‌وشیختن گزارش کرده است، ولی مطابق سند شماره ۸ امید زیادی به شریعتمداری بودن آن ندارد.

لذا بی‌آنکه فرصت را از دست بدهد، می‌کوشد با آیت‌الله شریعتمداری رابطه مستقیم برقرار کند، اما فقط بیم دارد که به گوش آیت‌الله خمینی برسد و کار خراب شود!

کودتا،

هدف مشترک امپریالیسم آمریکا، سران ارتش و...

آری، آیت‌الله شریعتمداری آشکارا در فکر کودتا است و در این راه در "فکر یک قدرت ارتشی است که بتواند بلافاصله زمام امور را در دست گیرد."

آمریکا برای کودتا

روی آیت‌الله شریعتمداری و طرفداران او حساب می‌کند

تا کی باید به انتظار شکل گیری این توطئه‌ها نشست؟ مردم دیگر حرف دفتر امام خمینی را که در برابر این توطئه شوم تنها طی اعلامیه این را "سو تفاهم" می‌نامد، باور نمی‌کنند.

خیر، این توطئه‌ها سو تفاهم نیست، نقشه‌های سرمایه‌داران وابستاست که به

این آیت‌الله را افشاء می‌کند در اینجا نقل می‌کنیم.

روز ۲۱ مرداد آیت‌الله شریعتمداری به مراغه‌ای می‌گوید:

"تنها آذربایجان که نیست بگذارید ببینیم دیگران چه می‌کنند. فارس و خراسان هم ناراضی هستند. آیت‌الله ققی سخت حمله کرده است."

این گفتگو نشان می‌دهد که شریعتمداری در مردادماه در این فکر است که با دیگر روحانیوسی که نظرات ایشان را تأیید می‌کنند، تماس بگیرد و با آنها برای نحوه اجرای نقشه‌هایی که هدف آن بازگرداندن اوضاع به حال سابق است، قول و قرارهای لازم را بگذارد.

گفتگوی "توم" جاسوس سیا

و مقدم مراغه‌ای

روز ۲۶ مهر "توم" برای مراغه‌ای نقل می‌کند:

"در مورد بختیار از تهران به‌وشیختن گزارش کردیم که اگر سفارت امریکا در پاریس یا هر جای دیگر بخواهد بابت بختیار تماس داشته باشد، مختار است حرف‌های مخالفان را بشنود."

مراغه‌ای از او می‌پرسد:

"در مورد ارتباط شریعتمداری و بختیار منع شما چیست؟"

توم مراغه‌ای را سری‌دواند و می‌گوید:

"طرفداران بختیار این مطلب را پراکنده می‌کنند."

* این سند نشان می‌دهد که: آیت‌الله شریعتمداری مشخصاً قصد داشته‌است از حدود اوایل دی ماه تعرض خود را آغاز کند.

اجرا در می‌آید.

تحریکات و توطئه‌ها سریع‌تر و آشکارتر از آن است که بتوان آن را "سو تفاهم" و "بی‌توجهی" نامید.

شریعتمداری در همین روز ۱۶ آذر می‌گوید:

"باید واقعا آقایان که صاحب فکر هستید منشینید فکر کنید هم برای وضع موجود و هم برای آینده خیلی مهم است که یک قدرت ارتشی برای کارها پیدا شود من می‌دانم تا مدتی همه بهت زده شده بودند و چیزی نمی‌گفتند ولی دیگر دوران این بهت زدگی باید تمام شده باشد."

فعالیت شاکر رئیس سابق ستاد ارتش هم حاکی از آن بوده که امریکا از یک سو می‌خواهد طرفداران شریعتمداری در ارتش بر سر کار گذاشته شوند، تا نیایا می‌خواهد ارتش ایران تقویت شود و دوباره بطور کامل به وضع سابق برگردد، حتی "قوی" تر از سابق.

* آیت‌الله شریعتمداری خطاب به محافل سرمایه‌داران لبرال می‌گوید: "بالاخره من تصور نمی‌کنم اینها بتوانند زیاد دوام بیاورند، تدارک‌ی ببینید برای وقتی که اینها رفتند برنامه کار لازم است و همراه با یک کسادر انسانی معلوم و یک قدرت ارتش (از همه مهم‌تر) که بتواند بلافاصله زمام امور را در دست گیرد."

هم میهن مبارز!

سرمایه‌داران لبرال پایگاه امپریالیسم در میهن ما هستند، آنها مدام می‌کوشند از افشای نام دوستان و جاسوسان امریکا جلوگیری کنند.

پاخیزیم، توطئه سرمایه‌داران لبرال را درهم شکنیم و مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقمان را به پیش رانیم.

سپاه پاسداران قم و رادیو تلویزیون، مرز بین نیروهای انقلابی و محافل ضد انقلابی را در هم می‌ریزند

رادیو-تلویزیون پس از حوادث اخیر قم باردیگر کوشید مرز بین نیروهای انقلابی را با نیروهای ضدانقلابی امثال حزب جمهوری خلق مسلمان درهم بریزد و از قول سپاه پاسداران قم اعلام داشت که سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران نیز در این حوادث شرکت داشته است.

ما، ضمن محکوم کردن اعمال ارتجاعی و ضدانقلابی حزب جمهوری خلق مسلمان و سایر محافل وابسته به سرمایه‌داری لبرال در شهر قم و تبریز دروغ‌پردازی‌های سخنگوی سپاه پاسداران قم و رادیو-تلویزیون را محکوم می‌کنیم و اعلام می‌داریم که چنین دروغ‌های عوام‌فریبانه‌ای تنها به سود امپریالیسم امریکا و دشمنان خلق ما تمام می‌شود.

ما، تاکنون بارها اعلام کرده‌ایم که حزب جمهوری خلق مسلمان دست در دست امپریالیسم امریکا دارد و دشمن مردم و نیروهای انقلابی است. اما سپاه پاسداران قم و رادیو-تلویزیون که تلاش می‌کنند حزب جمهوری خلق مسلمان را به نیروهای انقلابی بچسبانند، عملاً برای حزب جمهوری خلق مسلمان تبلیغ می‌کنند و حیثیت و اعتبار دروغین برای آن کسب می‌کنند و بدین ترتیب دانسته یا ندانسته، قسمتی از وظایف امپریالیسم امریکا را که کسب حیثیت برای احزاب و محافل سرمایه‌داری لبرال است، انجام می‌دهند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۵۸

اسنادی که ما در دست داریم متأسفانه به شانزدهم آذرماه سال ختم می‌شود.

وقایع روزهای اخیر و درگیری‌های خونین تبریز نشان می‌دهد که نقشه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم امریکا بطور جدی و بسیار خطرناک در شرف شکل گیری است. وظیفه همه نیروهای انقلابی، همه مردم مبارز است که با تحکیم صفوف خود، با وحدت و یکپارچگی و با قاطعیت انقلابی هرکجا که ردپائی از این توطئه‌های شوم را دیدند، به مقابله فوری با آن برخیزند.

آیت‌الله شریعتمداری طرفداران خود را برای کودتا آماده می‌کند

شواهد موجود به وضوح نشان می‌دهد که آیت‌الله شریعتمداری اجرا ی نقشه تقویت ارتش را شخصا به عهده گرفته و با باندهای آریامهری درون ارتش تماس‌های مستمر برقرار کرده است.

اظهارات اخیر آیت‌الله شریعتمداری هم موید این مطلب است، وی روز شانزدهم آذرماه سال جاری در باره موقعیت آیت‌الله خمینی، خطاب به دوستانش می‌گوید:

"بالاخره من تصور نمی‌کنم اینها بتوانند زیاد دوام بیاورند. تدارک‌ی ببینید برای وقتی که اینها رفتند برنامه کار لازم است و همراه با یک کادرناسانی معلوم و یک قدرت ارتش (از همه مهم‌تر) که بتواند بلافاصله زمام امور را در دست گیرد."

آیت‌الله شریعتمداری و طرفداران او از ماه‌ها پیش طرح حوادث اخیر را ریخته بودند

دوماه ونیم بعد یعنی در روز سوم آبان، مراغه‌ای برای "توم" جاسوس سیا نقل می‌کند:

"شریعتمداری می‌گفت که شاید تادوماه دیگر بهتر بتوان مطالب را گفت. موضوع قابل اهمیت است که ایشان چنین نظری دارند!"

این سند نشان می‌دهد که آیت‌الله شریعتمداری مشخصاً قصد داشته‌است از حدود اوایل دی‌ماه تعرض خود را آغاز کند. برنامه‌ریزی تمام سرمایه‌داران لبرال که همگی زبرعلم آیت‌الله شریعتمداری سازمان داده شده‌اند، کام به کام پیش می‌رود تا از اواخر آذرماه بطور مشخص تحریکات و توطئه‌ها توسط حزب جمهوری خلق مسلمان که مطابق اسناد به دست آمد ارتباط‌های مستقیم و غیرمستقیم با سفارت امریکا داشته‌است، شروع می‌شود.

افشای امریکائی باید ادامه یابد

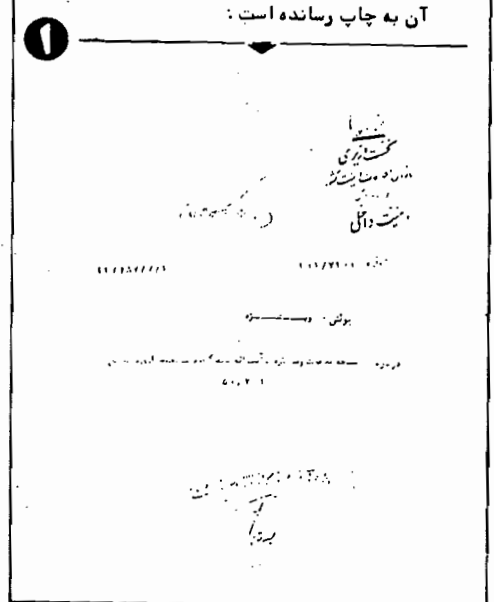
اسناد زیرد جریان قیام بهمن ماه و تسخیر مراکز ساواک به دست نیروهای انقلابی افتاده است اسناد زیر روابط آیت الله شریعتمداری را با رژیم شاه توضیح می‌دهد

آیت الله شریعتمداری ظلم رژیم سلطنتی را بهتر از عدل آنتهائی که با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا مبارزه کرده‌اند، می‌داند.

بین باطن کارهایی که انجام می‌دهم مردم در زحمت قرار می‌گیرند. مانند ایجاد اعتبارات به شهرها، راه‌ها، ایجاد راه‌آهن، احداث مراکز و اخلاص تمام مردم در مسائل، امروز در مجلس عزاداری، امپریالیسم الهی دنیاگشایی شماره‌های تند می‌داند. یک‌نفره نزدیک، من شسته بود و با من هم عیب بود به سوخی اظهار کرد:

... من این کارهایی که انجام می‌دهم مردم در زحمت قرار می‌گیرند، مانند ایجاد اعتبارات و نظایر آن، امروز در مجلس عزاداری برای شاعرانی تشنه می‌داند. یک‌نفره نزدیک من شسته بود و با من هم عیب بود، به سوخی اظهار کرد:

جلد بولتنی که ساواک برای شاه تنظیم می‌کرده و گفته‌های آیت الله شریعتمداری را در آن به چاپ رسانده است:



اسناد زیر ثابت می‌کنند که آیت الله شریعتمداری قصد داشته است هر طوری شده جلوی مبارزات مردم را بگیرد و رژیم سلطنتی را حفظ کند، او می‌گوید که به همین منظور باید ابتدا تا اندازه‌ای خود را با مردم هم فکر و همگام نشان دهد تا مردم به ما اعتماد کنند و بعد که از حمایت عده‌ای از مردم مطمئن شدیم، علناً جلوی کسانی را که می‌خواهند رژیم سلطنتی را سرنگون کنند، بگیریم و منافع سرمایه‌داران را حفظ کنیم. همین هدف را امروز آیت الله شریعتمداری و دیگر سرمایه‌داران با بهره‌انداختن حزب جمهوری خلق مسلمان دنبال می‌کنند.

وقایع اخیر تبریز و قم که توسط حزب جمهوری خلق مسلمان و به منظور به انحراف کشاندن مبارزات خدا مهربالیستی بوجود آمده‌است، خود بهترین دلیل این واقعیت است.

آیت الله شریعتمداری برای حفظ منافع سرمایه‌داران با حکومت نظامی که هزاران تن از مردم مبارز ما را به شهادت رساند، موافق بوده و از آن حمایت می‌کرده است.

برقراری حکومت نظامی کار با ارزش و مفیدی است و باید باقی بماند. من صریحاً می‌گویم به عرض علیحضرت برسانید و به نخست وزیر هم بگوئید که هر چه می‌توانند مدت فرمانداری نظامی را طولانی تر کنند، البته به روزی که هر کاری را به دولت نسبت می‌دهند و چنانکه ستمی می‌کنند و سهره‌ها را می‌زنند، این نظامی می‌تواند مدت فرمانداری نظامی را طولانی تر کنند، البته مدوروز شده که تا شریکات کم کند...

این روش میانه‌رویی من سبب خواهد شد که آنها به سمت من روی بیاورند و بتدریج این برنامه را در مسیر ایجاد تشکلی و به دست آوردن قدرت بیشتر برای مبارزه...

این روش میانه‌رویی من سبب خواهد شد که آنها به سمت من روی بیاورند و بتدریج این برنامه را در مسیر ایجاد تشکلی و به دست آوردن قدرت بیشتر برای مبارزه...

کوشش در جهت متحد کردن نیروهای موافق با رژیم سلطنتی

... اشخاصی که شجاعت داشته باشند که در مقابل خمینی و طرفداران او بایستند تعدادشان کم است. در این چند سال نحوه رفتار طرفداران او به صورتی بوده‌است که اکثر کسانی که جهت فکری آنها با من یکی است، یعنی با رژیم سلطنتی موافقت می‌کنند، تشکلی هم بین آنها وجود ندارد و لذا نگرانند. باید ترتیبی فراهم آید و زمینه طوری مساعد گردد که کم کم بتدریج ترس آنها کم بشود و بین آنان تشکلی به وجود آید تا بتوانند بطور متحد در مقابل نجف بایستند.

آیت الله شریعتمداری حتی با آزادی زندانیان سیاسی رژیم شاه هم مخالف بوده است.

من معتقد به آزادی همه زندانیان نیستم می‌کنند. جهت صحبت فن با آنها تکیه آنتهائی را که اطمینان دارید بعد از آزادی به قانون اساسی است و در این زمینه تحریکات نمی‌کنند، آزاد کنید، ولی بقیه را پانشاری دارم، در حالیکه خمینی معتقد نگاه دارید، مخصوصاً کسانی را که اهانت به رژیم و قانون اساسی نیست. در پاسخ مقام سلطنت می‌کنند... سؤال خبرنگاران درباره پیشنهاداتم... تعداد زیادی خبرنگار به من مراجعه همواره به بهبود اوضاع تکیه می‌کنم...

توطئه برای ایجاد تفاهت بین مخالفان رژیم سلطنتی

... چه خوب است این مسائل را دولت نه بکار، بلکه چند بار بصورت‌های مختلف برای مردم شرح بکند. این کمک موثری می‌کند در اینکه مردم به نشان داده شود چه خطراتی متوجه آنها و مملکت است. در این حالت مسئله تجد کردن و ایجاد تفاهت بین مخالفان منطقی می‌شود و مردم آزی تفاوتی خارج می‌شوند و آتوقت میشود آنها را متشکل کرد و طبقه خمینی و تحریکات و رژیم‌های پانشاری را آغاز نمود.

چه خوب است این مسائل را دولت نه بکار، بلکه چند بار بصورت‌های مختلف برای مردم شرح بکند. این کمک موثری می‌کند در اینکه مردم به نشان داده شود چه خطراتی متوجه آنها و مملکت است. در این حالت مسئله تجد کردن و ایجاد تفاهت بین مخالفان منطقی می‌شود و مردم آزی تفاوتی خارج می‌شوند و آتوقت میشود آنها را متشکل کرد و طبقه خمینی و تحریکات و رژیم‌های پانشاری را آغاز نمود.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

آیت‌الله شریعتمداری یک سرمایه‌دار است!

سند زیر آیت‌الله شریعتمداری را یک سرمایه‌دار معرفی می‌کند:

"شرکت تولیدی سیاک" با سرمایه ۳۰۰ میلیون ریال، تنها یکی از شرکت‌هایی است که آیت‌الله شریعتمداری در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

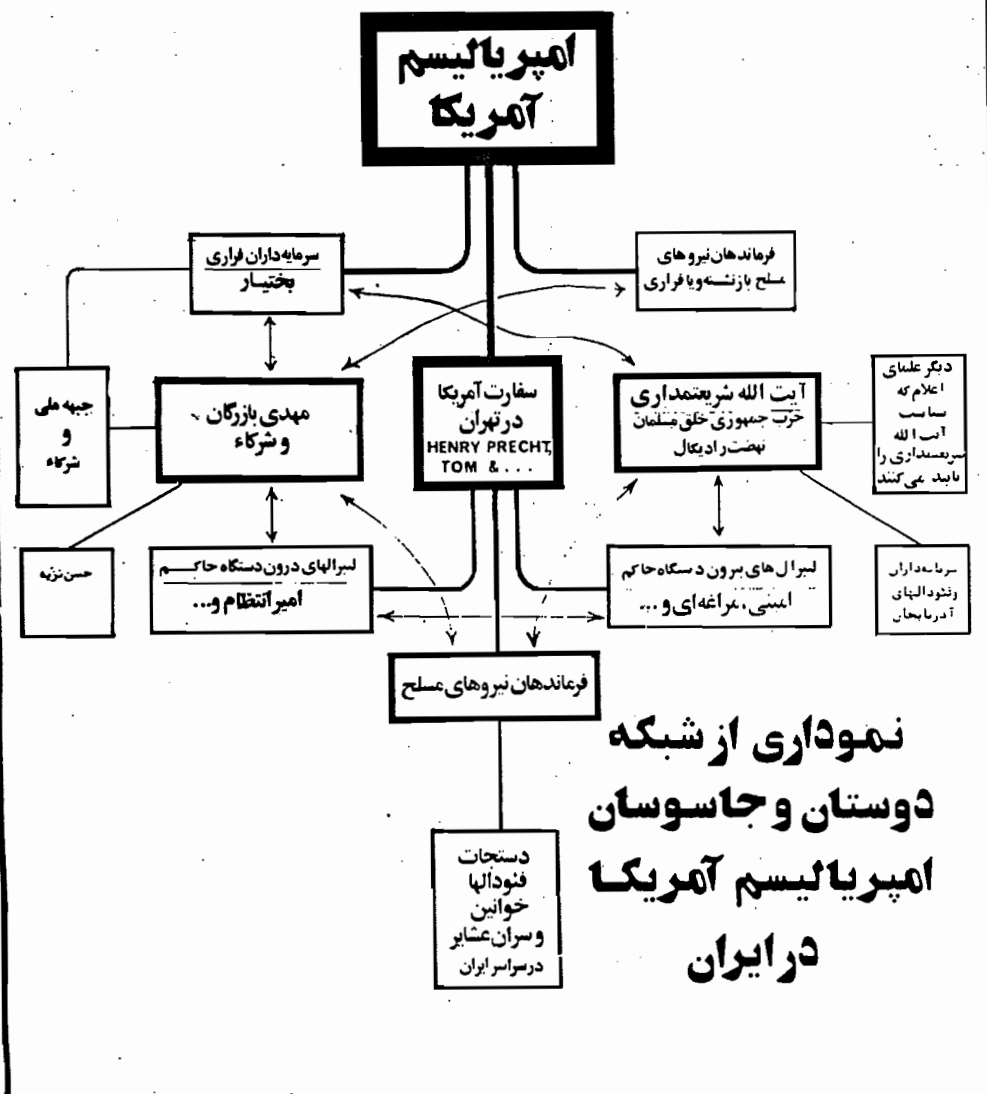
سهام‌الشرکه آیت‌الله شریعتمداری در این شرکت ۹۰ میلیون ریال است! (۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال)

کارگران و دهقانان زحمتکش در تمام طول عمر خود، این حقیقت را تجربه کرده‌اند که چگونه سرمایه‌داران وقتی که منافع خود را در خطر می‌بینند، وقتی که مبارزات کارگران و دهقانان تا بدان پایه می‌رسد که اساس حکومت طبقه سرمایه‌دار را به مخاطره اندازد، دیگر سرمایه‌داران آرام نخواهند نشست، آنها به هر توطئه‌ای برای سرکوب مبارزات کارگران متوسل

خواهند شد، آنها آزاد نخواهند می‌شوند و سنگ آزادی را به سینه می‌زنند و در همان حال به سراغ ارتش می‌روند و زمینیه کودتائی خونین را فراهم می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند.

سفرهای رنگین و چهره گلگون طبقه سرمایه‌دار ایران، ثروه کار و رنج طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش میهن ما، زحمتکشان دوستان واقعی خود را تشخیص می‌دهند و دیگر اجازه نمی‌دهند بساط بهره‌کشی و فقر و گرسنگی، ظلم و بی‌خانمانی همچنان پابرجا بماند.

سرمایه‌دار دشمن طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش است.



نموداری از شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا در ایران

سرمایه داران لیبرال علیه مبارزات مردم ما بسیج شده اند

روز جمعه ۱۲ دی ماه، به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بیش از یکصد هزار تن در میتینگی که برای افشای محافل و احزاب سرمایه‌داران لیبرال در دانشگاه پلی تکنیک برگزار شد، شرکت کردند.

در این میتینگ پس از افشای روابط مقدم مراغهای با دو جاسوس سازمان سیا و روابطی که مراغهای با محافل و احزاب و شخصیت‌های لیبرال داشته است، مقاله‌ای خوانده شد که ما در اینجا بخشی از این مقاله را آورده‌ایم.

(جریان برگزاری این میتینگ را در "کار" شماره ۴۱ می‌خوانید.)

سرمایه‌داران لیبرال پس از قیام به قدرت می‌خیزند، ماه‌ها می‌کوشند سیل خروشان توده‌های زحمتکش میهن ما را مهار کنند، شوراها را کارگران، دهقانان و نظامیان را متلاشی سازند، مردم را از دخالت در امور بازدارند و از لاله‌های خون شهیدان خلق ستفیده ما، برای جنایتکاران و جاسوسان امریکائی دسته‌های گل به پایوس برند و در ازای سهمی از استثمار و غارت خلق‌های ایران ثمرات خون ده‌هزار شهید خلق را به پای امپریالیسم امریکا بریزند.

اما خلق قهرمان ما که پنجه در پنجه غول تاریخ و نوکران داخلی آن انداخته است، از مبارزه دست‌بردار نیست، سدی که امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران لیبرال پس از قیام با آن همه مهارت، دقت و سرعت در برابر سیل جنبش توده‌ها بنا کرده بودند، با ضربات پیاپی و نیرومند، خلق‌های قهرمان ایران، ترک می‌خورد و با تسخیر مرکز جاسوسی امریکا فرو می‌ریزد و سیل خروشان جنبش توده‌های در دشت‌های بیگران ایران جاری می‌شود تا لاله‌های خون شهیدان را

آبباری کند و بارور سازد، به محض سقوط دولت بازرگان که نتیجه اوج گیری مبارزات توده‌هاست، احزاب و محافل سراسیمه و خشمگین سرمایه‌داران لیبرال که برای تحکیم سلطه خود و طرد کامل آیت‌الله خمینی و طرفداران او از قدرت نقشه‌ها کشیده بودند، بسیج می‌شوند.

حزب جمهوری خلق مسلمان که ماههاست با بهره‌برداری از گرایش‌های ضد دمکراتیک حاکمیت، خود را دلسوز توده‌ها و آزادپخواه جا زده است، می‌کوشد از قدرت توده‌ها، علیه توده‌ها بهره‌برداری کند و زیر پوشش آزادیخواهی مردم را به دنبال خود کشاند و مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق را علیه امپریالیسم امریکا منحرف سازد، امپریالیسم امریکا ضمن پشتیبانی کامل از محافل و احزاب سرمایه‌داران لیبرال، خلق ایران را به تهاجم نظامی و تحریم اقتصادی تهدید می‌کند، محافل وابسته و جنایتکار درون ارتش، آشکار و پنهان به حمایت از لیبرال‌ها برمی‌خیزند، فتوآل‌ها و خوانین مرتجع در عمان با

بختیار به مشاوره می‌نشینند و متعاقب آن فتوآل‌هایی که از ماه‌ها پیش توسط باند چمران و حمایت فعال بازرگان و شرکا، مسلح شده‌اند، در سیستان و بلوچستان، فارس و سایر نقاط ایران به جنگ دهقانان زحمتکش ما می‌آیند.

بازرگان و شرکا، علیه افشاکری‌های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" اعلام جرم می‌کنند، عناصر لیبرال درون مطبوعات و رادیو-تلویزیون به حمایت از بازرگان و شرکا، برمی‌خیزند و شورای انقلاب فرصت را غنیمت شمرده و برای کنترل دانشجویان بسیج می‌شود و در این گیر و دار امپریالیسم امریکا و مطبوعات غربی می‌کوشند با حمایت از فتوآل‌های افغانستان، مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن ما را منحرف کنند و شورای انقلاب نیز تحریف حوادث اخیر افغانستان را به عنوان وسیله‌ای برای به انحراف کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما بکار می‌گیرد و بدین وسیله می‌کوشد امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران لیبرال را از زیر ضربات توده‌های مردم نجات دهد.

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال

سرمایه داران لیبرال علیه مبارزات مردم ما بسیج شده اند

فوق العاده شریعتمداری را یک سرمایه‌دار معرفی می‌کند:

"شرکت تولیدی سیاک" با سرمایه ۳۰۰ میلیون ریال، تنها یکی از شرکت‌هایی است که آیت‌الله شریعتمداری در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

سهام‌الشرکه آیت‌الله شریعتمداری در این شرکت ۹۰ میلیون ریال است! (۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال)

کارگران و دهقانان زحمتکش در تمام طول عمر خود، این حقیقت را تجربه کرده‌اند که چگونه سرمایه‌داران وقتی که منافع خود را در خطر می‌بینند، وقتی که مبارزات کارگران و دهقانان تا بدان پایه می‌رسد که اساس حکومت طبقه سرمایه‌دار را به مخاطره اندازد، دیگر سرمایه‌داران آرام نخواهند نشست، آنها به هر توطئه‌ای برای سرکوب مبارزات کارگران متوسل خواهند شد، آنها آزاد نخواهند می‌شوند و سنگ آزادی را به سینه می‌زنند و در همان حال به سراغ ارتش می‌روند و زمینیه کودتائی خونین را فراهم می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند.

سفرهای رنگین و چهره گلگون طبقه سرمایه‌دار ایران، ثروه کار و رنج طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش میهن ما، زحمتکشان دوستان واقعی خود را تشخیص می‌دهند و دیگر اجازه نمی‌دهند بساط بهره‌کشی و فقر و گرسنگی، ظلم و بی‌خانمانی همچنان پابرجا بماند.

سرمایه‌دار دشمن طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش است.

فوق العاده شریعتمداری را یک سرمایه‌دار معرفی می‌کند:

"شرکت تولیدی سیاک" با سرمایه ۳۰۰ میلیون ریال، تنها یکی از شرکت‌هایی است که آیت‌الله شریعتمداری در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

سهام‌الشرکه آیت‌الله شریعتمداری در این شرکت ۹۰ میلیون ریال است! (۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال)

کارگران و دهقانان زحمتکش در تمام طول عمر خود، این حقیقت را تجربه کرده‌اند که چگونه سرمایه‌داران وقتی که منافع خود را در خطر می‌بینند، وقتی که مبارزات کارگران و دهقانان تا بدان پایه می‌رسد که اساس حکومت طبقه سرمایه‌دار را به مخاطره اندازد، دیگر سرمایه‌داران آرام نخواهند نشست، آنها به هر توطئه‌ای برای سرکوب مبارزات کارگران متوسل خواهند شد، آنها آزاد نخواهند می‌شوند و سنگ آزادی را به سینه می‌زنند و در همان حال به سراغ ارتش می‌روند و زمینیه کودتائی خونین را فراهم می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند، در عین حال پشت پرده نمایان می‌کنند.

سفرهای رنگین و چهره گلگون طبقه سرمایه‌دار ایران، ثروه کار و رنج طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش میهن ما، زحمتکشان دوستان واقعی خود را تشخیص می‌دهند و دیگر اجازه نمی‌دهند بساط بهره‌کشی و فقر و گرسنگی، ظلم و بی‌خانمانی همچنان پابرجا بماند.

سرمایه‌دار دشمن طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش است.